



امام خمینی:

دست آمریکا از آستین این خائن ها بیرون آمد.
مبادا مبتلا بشویم به یک نفر نابابی
(رئیس جمهوری) که ما را به خواهد بکشد ببرد
بطرف آمریکا.

امام خمینی در هفته گذشته طی سخنان مهم خویش، توطئه آمریکایی کشتار دههاتن از مسئولین انقلابی کشور را توسط مزدوران آمریکا، افشا کردند و نطق مهمی نیز درباره انتخابات ریاست جمهوری و ضرورت شرکت وسیع مردم در آن، ایراد کردند.
امام خمینی در ۶ تیرماه در مقابل گروهی از رزمندگان عازم جبهه های جنگ، گفتند:

" دست جنایتکارانه که از آمریکا دستور می گیرند، از کشور خودتان کوتاه کنید."
رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پس از وقوع جنایت هولناک اخیر، در ۱۰ تیرماه، در نطق مهمی در برابر روحانیون تهران درباره سبب این جنایت گفتند:
بقیه در صفحه ۹

تروریسم محکوم به شکست است

تروریسم شیوه مبارز نیست محکوم به شکست. اگر تروریسم ضد انقلابی می توانست انقلابها را درهم شکند، سلطه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، هر پهنه گیتی تأمین شده بود و روند انقلابهای ضد امپریالیستی بوجود نمی آمد و هر روز گسترش بیشتری نمی یافت اگر با تروریسم تصرف قدرت حاکمه ممکن می بود، کانگسترها و آدمکشان حرفه ای همه جا حاکمیت راقبضه می کردند. تروریستهای ضد انقلابی می توانند به جنایت قتل این و یا آن رجل سیاسی دست بازند، می توانند اینجا و آنجا بمب گذاری کنند و فجایع جنایتکارانه خونینسی بقیه در صفحه ۹

نیروئی به عظمت مرحله سوم این انقلاب

فاجعه بزرگ بود. در انفجار یکشنبه شب هفتم تیرماه هفتاد و دو تن از شخصیت های ارزشمند دولتی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان مجلس، و از آن میان آیه الله دکتر سید محمد بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور و عضو شورای وقت ریاست جمهوری، شهید شدند.
اندوه و خشمی که از این جنایت هولناک بر هر فرد مؤمن به انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران و نگران سرنوشت آن مستولی می شود. و غرش توفنده این خشم و اندوه در مراسم تشییع سه شنبه گذشته فضای تهران را به هیجان ناگفتنی انباشت - چیزی نیست که بتوان در بیان آورد. هر چه گفته شود، نارسا و سرد می نماید. به هر زبان که جنایتکاران فاجعه آفرین محکوم شوند، باز حق سخن اداننده است. ننگ و نفرت بر تبهکاران باد!

چه کسانی در پس این جنایت هولناک نهفته اند و چه می خواستند؟
برای یافتن پاسخ به این سوال، نیازی به جستجوی فراوان نیست. جنایت یکشنبه شب کارگسائی است که از روند گسترش انقلاب ناراضی و ترسانند. کارگسائی است که در انقلاب سهمی از قدرت نیافته اند یا اگر سهمی به ناحق داشته اند، آن را در جریان پیشروی انقلاب از دست داده اند. کارگسائی است که با عزل بنی صدر خود را در آستانه حذف کامل از صحنه سیاست می بینند. همین طیف رنگارنگ و از دکان ضد انقلابی، گروهکهای دست پرورده، سپاه منحرفان قدرت طلب و خواستاران حفظ امتیازات ثروت و مالکیت و استکبار هستند که دست در بقیه در صفحه ۱۱

شکست لیبرالیسم را کامل کنیم!

در صفحه ۲

بمناسبت سالگرد توطئه کودتای آمریکایی در نوزده بمب گذاری دنباله توطئه کودتای نوزده تازمانی که ضد انقلاب و پایگاههای داخلی امپریالیسم ریشه کن نشده است توطئه کودتای نوزده به اشکال دیگر ادامه خواهد داشت

۱۸ تیر، در همان حال که توده های میلیونی در جبهه ها با تجاوزکاران آمریکا - صدام و در پشت جبهه با باند های رنگارنگ ضد انقلابی آمریکا انگیخته می رزند، سالروز درهم شکستن کودتای

حضور مبارک امام خمینی، رهبر بزرگوار انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران

فاجعه انفجار در محل حزب جمهوری اسلامی که گروهی از بهترین فرزندان انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران را - از جمله آیه الله دکتر سید محمد بهشتی - به خاک و خون کشید، ضربه بس دردناکی بر قلب و روح توده مستضعف و انقلابی ایران وارد آورد. دست نا پاکي که به این جنایت فجیع مبادرت کرد، و آن مستقیم یا غیر مستقیم دست پلید امپریالیسم آمریکاست، بریده باد!

به رغم تلاشهای مذبحخانه دشمنان انقلاب و کوردلانی که در شهوت قدرت طلبی از هیچ خیانت و جنایتی فروگذار نمی کنند، شک نیست که توده های به پا خاسته ایران به رهبری آن امام راستین همچنان با عزمی راسخ در راه انقلاب شکوهمند خود پیش خواهند رفت و بساط تجاوز پیشگی و ستم و نابرابری را درهم خواهند پیچید.

یاد همه شهیدان انقلاب برای همیشه گرامی باد!

مرگ بر آمریکا و عوامل خیانت پیشه آن!

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

رونوشت:

- ۱- قم، حضرت آیه الله حسینعلی منتظری
- ۲- حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی
- ۳- آقای محمد علی رجایی، نخست وزیر

بقیه در صفحه ۱۰

در مراسم باشکوه میلیونی تشییع جنازه شهیدان بمب گذاری عمال آمریکا در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی:



جریان بمب گذاری عوامل آمریکایی جنایتکار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی جان خود را از دست دادند و در کنار دیگر شهدای انقلاب، در لاله زار شهیدان روز سه شنبه ۹ تیرماه ۶۰، روزنه سوگ نشستن خلق در غم از دست دادن ۲۲ تن از مسئولین مملکتی بود، روزی که در آن خلق پیکرهای کلگون این شهدارا، که در

بهشت زهرا، به خاک سپردند. روز ۹ تیر روزی بود که در آن برخی دیگر بر صفحات زمین مبارزات خلق علیه امپریالیسم آمریکا بقیه در صفحه ۱۰

شکست لیبرالیسم را کامل کنیم!

امروزه می توان گفت ، که لیبرالیسم در سطح کشور افشا شده و ماهیت زیانبار آن برملا گردیده است . بی شک افشای لیبرالیسم یکی از دستاوردهای مهم نیروهای راستین انقلاب است . اما بهیچوجه نباید تصور کرد که این افشاکاری کافی است . چنین تصویری در بهترین حالت یک ساده فکری است ، که می تواند زیانهای جبران ناپذیری برای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد .

لیبرالیسم یک پدیده تصادفی ، بینش اجتماعی یا سلیقه سیاسی این یا آن سیاستمدار یا اندیشمند نیست . لیبرالیسم یک جریان سیاسی است ، که ریشه های اجتماعی - اقتصادی دارد و بر پایه این ریشه های خود در رشته های گوناگون زندگی جامعه بروز می کند و تأثیر می نماید .

در جامعه انقلابی ما ، تاکنون خیلی جنبه های اساسی و مشخصات عمده لیبرالیسم افشا شده است . از جمله دیگر کترکسی است که ندانند اساس سیاست خارجی لیبرال ها را سازش با امپریالیسم ، سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، و بازکردن راه سلطه مجدد امپریالیسم بر ایران تشکیل داده است . محاکمه امیران نظام یکی از نمونه های بارز عملکرد این سیاست خانمان برانداز لیبرال ها را افشا کرد . اسناد بسیار جالب لانه جاسوسی آمریکا در ایران ، که توسط دانشجویان سلمان پیرو خط امام منتشر گردید ، روابط مستقیم و غیر مستقیم بسیاری از لیبرال ها را با عوامل " سیا " و دیگر مقامات امپریالیسم آمریکا ، این دشمن اصلی انقلاب ایران ، به وجهی انکار ناپذیر نشان داد . لیکن سازش - کاری و دو رویی لیبرالیسم ، همدمی ظاهری آن به قصد انحراف قدم بقدم

انقلاب از مسیر آتیه ساز مردمی و ضد امپریالیستی ، تنها منحصر به سیاست خارجی این جریان زیانبار سیاسی نیست . رفتار گروه قلیل لیبرالها (که در نتیجه همین ماهیت سازشکاری و دورویی به مجلس شورای اسلامی راه یافتند) هنگام اتخاذ تصمیم درباره عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور سابق در مجلس ، بوضوح نشان داد که سازشکاری در گوشت و پوست لیبرالیسم ، در ذات این جریان سیاسی سرشته است . آشکارا همه دیدند که در سیاست داخلی نیز لیبرالیسم به سازش با گروه هایی که با استفاده از نام رئیس جمهور سابق دیگر حتی علنا علیه انقلاب ، علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ، علیه مردم زحمتکش شهید داده در راه انقلاب قیام کرده اند ، ادامه می دهد و با تمام نیرو در کار مجلس اخلاص می کند .

سازشکاری ذاتی لیبرالیسم ، که این جریان سیاسی را از دیگر جریانهای واپس - نرایی اجتماعی و سیاسی در رژیم های استبدادی مشخص می سازد ، در همین حال خطرناک ترین جنبه آن را نیز تشکیل می دهد ، زیرا همین صفت سازشکاری ، مذبذب و دورویی ، در همین حال قابلیت دوام این جریان سیاسی را نیز بیشتر می کند . به همین سبب نیز افشای لیبرالیسم از سوی نیروها و نهاد های انقلابی باید در جمیع جهات تداوم داشته باشد و با پیگیری تعقیب و تکمیل گردد . بی شک نهاد های انقلابی و مقامات وارگانهای مختلف جمهوری اسلامی ایران می توانند با استفاده از امکانات و اطلاعاتی که دارند ، به این افشاکاری و در نتیجه به روشن کردن افکار عمومی کمک کنند .

امروزه مردم انقلابی ما شیوه عمل لیبرال

های سازشکار را نیز شناختند . لیبرالیسم تا وقتی حاکمیت سیاسی را کاملاً قبضه نکرده است ، به اصطلاح " آزادی " را پرچم فریب کاری می کند ، زیر این عنوان مقدس هرگونه تهمت و افترا را به صادق ترین و پیکرترین نیروهای انقلاب می زند ، به تحریک ، توطئه ایجاد تفرقه و نفاق در صفوف رزندگان می پردازد ، با تشنج زائی سد راه پیشرفت کار انقلاب ، مانع نوسازی بنیادی جامعه و تحکیم نظام جمهوری اسلامی می شود . لیبرالیسم از میراث پلیدی که رژیم فاسد آریامهری ، این دست نشانده امپریالیسم ، پس از خود باقی گذاشته (دشواری های اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، فرهنگی و غیره) از یک سو ، و از نارسائیهای طبیعی دوران انقلاب و بعضی ندانمکاری ها و اشتباهات نهادی انقلابی از سوی دیگر برای به اصطلاح اثبات بی لیاقتی این نهاد - ها و ارگانهای دولتی حداکثر استفاده را می کند ، تا حاکمیت سیاسی را خود قبضه کند و رژیم بزرگ زمینداری و کلان سرمایه داری وابسته را از زیر ضربات جنبش انقلابی بیرون کشد ، محفوظ و پرووام دارد چون ریشه های اقتصادی و اجتماعی لیبرالیسم در همین نظام استبدادی سرمایه داری نهفته است .

لیبرالیسم یک جریان سیاسی است که از منافع مادی و معنوی طبقات و اقشار مستکبر استثمارگر باعناد و سرسختی هر چه تمایز دفاع می کند ، زیرا همه هستی لیبرالیسم بسته به آنست . از این رو نیز لیبرالیسم علیه هرگونه تدبیر صحیح انقلابی که مانع استثمار زحمتکشان و به نفع مستضعفان و کوخ نشینان باشد با تمام نیرو اقدام می کند . به همین سبب هم لیبرالیسم

در تنظیم امور مالکیت به نفع مردم زحمتکش ، در برقراری قسط و عدل اسلامی ، در اجرای بند های " ج " و " و " ، در تمرکز و تنظیم امور مالی و ارزی جمهوری اسلامی ایران ، در کار ملی کردن صنایع مادر ، در کار ملی کردن بازرگانی خارجی ، در توسعه و تقویت تعاونی های تولید و مصرف ، بیک کلام ، در همه اقداماتی که بنفع اکثریت قاطع مردم ایثار - کراست ، به هرگونه خرابکاری ، اشکال تراشی ، ایجاد موانع گوناگون اداری و غیر اداری متوسل می شود . به همین سبب نیز موازات تداوم و تکمیل افشای این جریان زیانبار سیاسی ، بویژه باید اقدامات عملی انقلابی در راه نوسازی بنیادی جامعه را با پیگیری و قطعیت هرچه تعاضد پیاده کرد . تاریخچه های اقتصادی اجتماعی لیبرالیسم ، یعنی سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی خشک نشود و ریشه های مردمی و ضد امپریالیستی نظام جمهوری اسلامی ایران ، یعنی تأمین حاکمیت زحمتکشان و بهبود زندگی مادی و معنوی محرومان جامعه ، استحکام نیابد ، خطر این جریان زیانبار سیاسی وجود خواهد داشت .

انقلاب ایران به رهبری امام خمینی ، انقلاب همه مردم مستضعف و زحمتکش این کشور است . کوخ نشینان و مستضعفان با دادن ده ها هزار شهید و علیل در سنترهای نبرد انقلابی با رژیم طاغوت شاهنشاهی انقلاب را به ثمر رساندند و نظام جمهوری اسلامی ایران را پایه ریزی کردند . این انقلاب و این نظام با اتکا به نیروهای بی زوال همین اکثریت عظیم مردم است که می تواند پیروز ماندنه پیش رود ، تحکیم و تقویت و تداوم یابد .

بمب گذاری ...

بقیه از صفحه ۱

آمریکاراعلیه ایران انقلابی در هم بشکند . در این روز قرار بود جمعی از عناصر خود فروخته ، که توسط شبکه ضد انقلابی آمریکا - بختیار سازمان داده شده بودند ، طی یک نقشه وسیع ، که مدت ها وقت و پول صرف آن شده بود ، با کشتار وسیع مردم انقلاب را در هم بشکند و آمریکا را بار دیگر در قامت رسوای بختیار به ایران بازگردانند .

چنانکه بعد از در هم شکستن توطئه کودتا فاش شد ، رهبری عملیات را فرماندهانی به عهده داشتند که از جانب دولت موقت لیبرال ها و سپس ابوالحسن بنی صدر به سمت های حساس در ارتش گماشته شده بودند . سپهبد مهدی یون ، که بر اساس سخنان حجت الاسلام ری شهری " نقش فرماندهی را در این توطئه برعهده داشت " (کیهان - ۲۲ بهمن ۱۳۵۸) در شب بعد از پیروزی انقلاب از طرف مهندس بازرگان به سمت سرپرست فرماندهی نیروی هوایی ایران منصوب شد . سپهبد محقق هم ، که از دیگر ملاکان اصلی کودتا بود . بعد از پیروزی انقلاب از طرف بازرگان به سمت فرمانده زاندارمری انتخاب شد . تیمسار باقری که او نیز از ملاکان اصلی این کودتا و همچنین از دست اندر

کاران داخلی تهاجم نظامی طمس بود ، بعد از کشف کودتا دستگیر شد ، اما ابوالحسن بنی صدر ، که او را به مقامات حساس در ارتش گماشته بود ، آزادش کرد و صریحاً به دفاع از او گفت : " تیمسار باقری در کشف شبکه توطئه ما را یاری کرده است " . (کیهان - ۲۱ تیر) تنها چند ماه بعد بود که تیمسار باقری هنگامی که با گذرنامه اهدائی بنی صدر قصد فرار از ایران را داشت در فرودگاه دستگیر شده در کودتاگران دستگیر شده در دادگاه انقلاب اعتراف کردند که توسط باند بختیار سازماندهی شده بودند و قصد بازگرداندن آن جنایت - کار را به ایران داشته اند . کودتاچیان اعتراف کردند که بهاران خانه امام ، کمیته ها ، سپاه پاسداران و ... در دستور عملیاتی آنها قرار داشت . جانیمان خود فروخته به صراحت اعتراف کردند که می خواستند ، اگر مقاومت مردم روبرو شدند ، تا (میلیون نفر) راه خاک و خون بکشند . این اعتراف تکان دهنده نشان داد که ضد انقلاب چه نقشه های هولناکی برای نابودی انقلاب ایران کشیده است . این اعترافات بار دیگر آشکار کرد که امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی آمریکا خونخوار ، برای دوباره بستن ایران به عراد امپریالیسم ، از هیچ جنایتی و حتی کشتار چند میلیون نفر کترین ابائی

ندارد . جالب این که همه این جنایات هولناک قرار بود زیر نام مبارزه با " دیکتاتوری " و بازگرداندن " آزادی " انجام شود ! بلافاصله بعد از در هم شکستن کودتای خائنه نوزه ، به فرمان قاطع رهبر انقلاب ، نیروهای قضائی و انتظامی به پیگیری پرداختند . بخشی از شبکه نظامی کودتا به جوخه اعدام سپرده شد و جست و جو برای دستگیری شبکه سیاسی آغاز شد ، که از جمله به دستگیری ابوالفضل قاسمی ، دبیر کل ساواکی حزب ایران متجسس گردید اما متأسفانه لیبرالها و دست های ناشناس که در تار و پود انقلاب رخنه کرده بودند ، این فعالیت انقلابی را در نیمه راه متوقف کردند . از پیگیری شبکه سیاسی کودتا دیگر خبری نرسید و سر نوشت بقیه کودتاچیان شبکه نظامی مسکوت ماند . تنها چند ماه بعد فاش شد که ابوالحسن بنی صدر با استفاده از موقعیت خود بعنوان فرمانده کل قوا ، بسیاری از افسران کودتاچی را آزاد کرده و برخی از آنها را به مشاغل حساس نظامی گماشته است . بنی صدر - چنانکه حجت الاسلام خلخالی فاش کرد - تنها (۵) نظامی کودتاچی را در اهواز آزاد کرد و آنها را با وجود مقاومت نیروهای پیرو خط امام ، دوباره به ارتش فرستاد . از دام جستگان شبکه سیاسی و آزاد شدگان شبکه نظامی بسرت

از یاد رفتند . اما آنها سلما از یاد نبردند که وظیفه شان چیست . برخی از آنها بعد از کشف باند های ضد انقلابی بدام افتادند و بعضی دیگر - بدون شک - در میان مردم داغدار ما به طراحی و اجرای جنایات شومی شبیه قتل عام ۷۲ مسئول مملکتی مشغولند . و این دنباله همان سیر منطقی فعالیت ضد انقلاب است و تا زمانی که ضد انقلاب و پایگاه های داخلی امپریالیسم ریشه کن نشوند ادامه خواهد داشت .

وقتی کودتای نوزه در هم شکست ، صدام جنایتکار مأمور پورش به ایران انقلابی شد . آنکه که دلاوری توده ها راه را بر تجاوزان صدامی بست ، توطئه دیگری آغاز شد که در قلب آن بنی صدر ، رئیس جمهور سابق قرار داشت .

واکنش - در این روزهای سراسر اشک و اندوه و خشم - که کل انقلاب از میان اشکهای زنان مردان وطن بازمی شود و در شعار " مرگ بر آمریکا " ، فضای ایران را عطر آگین می کند ، کودتای نوزه به شکل دیگر ادامه دارد ! امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی آمریکا ، با تمام نیرو و توان در کار است ، تا انقلاب را از پای در اندازد . از سویی در " سیا " ، " پنتاگون " ، " اینتلیجنت سرویس " و " موساد " طراحی که از بخون کشیدن میلیون ها نفر در جهان

تجربه ها دارند ، طرح توطئه می - ریزند . از سوی دیگر کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران کرور کرور پول خرج اجرای این توطئه - ها می کنند ، ساواکی ها و مأموریت های آمریکائی در کارند ، باند های ضد انقلابی و بلندگوهای - شان بی وقفه مشغولند . . . و در یک کلمه ، همه ارواح خبیثه ضد انقلاب پرورده آمریکا در کارند تا نزدیک به انقلاب ایران بزنند . در واقع انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ، ادامه خواهد داشت .

کودتای نوزه و ده ها ده ها توطئه رنگارنگ دیگر است . و این توطئه ها ، کودتاها ، نیرنگ ها ، خدعه ها و جنایات تا نابودی کامل ضد انقلاب ، تا برچیدن پایگاه های داخلی امپریالیسم تا ریشه کن شدن سلطه امپریالیسم جهانی و در اس آن امپریالیسم آمریکا ، از خاک میهن ما ادامه خواهد داشت . پس باید هشیار بود . بی فایده نخواهد بود ، اگر پرورنده کودتاگران نوزه بار دیگر باز شود و سرخ های گمشده و یا رها شده بار دیگر دنبال شود . بی شک آن سرخ ها به لانه های فساد امروز خواهد رسید .

سالروز در هم شکستن کودتای نوزه بر مردم قهرمان ایران مبارک و هشیاری آنها در مبارزه با دیگر توطئه ها بیشتر باد !

رهبری مائوئیستی چین در منجلاب خیانت

کس حال دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا، در مقاله‌ای زیر عنوان "پورتونیسیم و رهبری پکن" می‌نویسد:

"تمام اشکال اپورتونیسیم دارای ماهیت و هدف واحدی هستند، یعنی سازش‌گر غیر اصولی و در نتیجه نهائی عدول از مواضع انقلابی و تسلیم در برابر دشمن. اپورتونیسیم منافع دراز مدت و بنیادی طبقه کارگر و توده‌های خلق را به این عنوان که می‌خواهد در مسائل مهم و مهم به گذشت - هائی دست یابد، قربانی می‌کند. اپورتونیسیم محصول ارتشاسی سیاسی واید-تولوژیکی است."

کس حال در این مقاله خاطر نشان می‌کند که:

"مائوئیسم یکی از مظاهر برجسته اپورتونیسیم در مرحله انحطاط است، یعنی مرحله‌ای که اپورتونیسیم و سوسیال شو - نیسم به مرحله نهائی خود می‌رسد و با امپریالیسم درجه‌بیه متحدی قرار می‌گیرد. روند تحول در مواضع ایدئولوژیکی - سیاسی رهبری چین، که از افراطی‌ترین مواضع چپ گرایانه در اندیشه و عمل آغاز گردید و به اتخاذ مواضع ضد انقلابی و همپیوندی عمیق در زمینه‌های سیاسی و نظامی با افراطی‌ترین محافل ارتجاعی و جنگ طلب امپریالیسم جهانی انجامید، موبد درستی این ارزیابی است. بررسی جبهات گوناگون سیاست رهبری کنونی چین نسبت به کلیه مسائل جهانی: مبارزه در راه صلح و خلع سلاح و تشنج زدائی و کیفیت برخورد با انقلاب‌های خلق و ضد امپریالیستی و جنبش‌های رهائی بخش خلق - ها در مناطق مختلف جهان، هماهنگی و مطابقت کامل مجموعه سیاست چین را با مواضع و سیاست امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکائیان می‌دهد. امروز چین کلیه امکانات و توان تبلیغاتی و سیاسی خود را در خدمت کمونیسم ستیزی و رویاوشی با سوسیالیسم جهانی و در درجه اول اتحاد شوروی و تمامی نیروهای انقلابی به مقیاس جهانی قرارداد داده و بعنوان وزنه‌ای در آرایش نیروها در عرصه جهانی به ابزار تشنج فزائی و جنگ افروزی و ارباب و شانناز و توطئه و تحریک علیه جهان سو-سیالیسم، جنبش کمونیستی و کارگری جهانی، کشورهای مستقل ملی و جنبش‌های انقلابی رهائی بخش ملی، در دست ارتجاع و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکائیان تبدیل شده است.

مسئله جنگ و دفاع از صلح

در حالیکه دفاع از صلح و جلوگیری از جنگ جهانی به بهترین و حادترین مسئله جهان معاصر تبدیل شده و وقوع جنگ جهانی با وجود سلاح موشکی و هسته‌های می‌تواند سرنشست همه خلقها و کشورهای جهان را به فاجعه‌ای فلاکت بار برای تمام بشریت دچار سازد، در حالیکه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای ترقیخواه و علاقمند به آینده خلقها، حتی برخی محافل واقع بین کشور - های سرمایه داری، تمام کوشش خود را در راه حفظ و استحکام مبانی صلح، جلوگیری از وقوع جنگ جهانی، تشنج زدائی و خلع سلاح به کار می‌برند، رهبری مائو -

ئیستی چین همچنان با سیاه‌ترین نیروها و محافل جنگ طلب امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در راه تشنج - فزائی، سابقه، تسلیحاتی و دامن زدن به تحریکات جنگی و گسترش کانونهای جنگ و درگیری‌های مسلحانه در مناطق مختلف جهان می‌کوشند.

تنگ شیاو پینگ، معاون صد رکنیته مرکزی حزب کمونیست چین، در مصاحبه با اوربانافالاچی، خبرنگار ایتالیائی، که متن آن سال گذشته در مطبوعات چین انتشار یافت، در مورد اوضاع بین المللی چنین گفته است:

"جنگ جهانی سوم ناگزیر و اجتناب ناپذیر است. مذاکرات در باره و خامت - زدائی به همان اندازه با پیامدهای خطرناک همراه است، که سیاست "صلامت - جویانه و گذشت" چمبرلین و دالاید در سالهای ۱۹۳۰ در برابر تجاوز هیتلر. تنگ شیاو پینگ در این باره گفت:

"جنگ جهانی دوم به آن علت آغاز شد که سیاستمداران اروپا همراه شده بودند و تصور می‌کردند که می‌توان از جنگ اجتناب کرد. در دوران معاصر نیز یک چنین تصورات پندارگرایانه‌ای، غرب را تضعیف می‌کند."

تنگ شیاو پینگ اظهار داشت:

"فقط با حفظ اروپا می‌توان سلطه بر جهان را حفظ کرد، زیرا امروز اروپا به محور اصلی استراتژی شوروی تبدیل شده است. پیشروی روسها به سوی اقیانوس هند، بخشی از نقشه آنها برای محاصره اروپاست تا بایک حمله گازانبیری اروپا را بتصرف خود در آورند."

تنگ شیاو پینگ گفت:

"ویتنام به کوبا در شرق تبدیل شده و از شوروی پیروی می‌کند. نمونه ویتنام (منظور تجاوز نظامی چین به ویتنام است در بهمن ۱۳۵۷) نشان داد که ما در اقدامات خود برای وارد کردن ضربه، قاطع هستیم و ما این حق را برای خود حفظ می‌کنیم."

در این مصاحبه، تنگ شیاو پینگ ضمن ابراز پشتیبانی از درو دستسه جنایتکار پول - بت در کامبوجیا و رژیم فاشیستی پینوشه در شیلی، اظهار داشت "پرزیدنت آئینده در شیلی، زیر نفوذ شوروی قرار گرفته بود."

این اظهارات تنگ شیاو پینگ باز - تابی از ماهیت سیاست و مواضع رهبری کنونی چین است، که در کنار سیاه‌ترین نیروهای ارتجاعی و جنگ طلب امپریالیسم جهانی قرار گرفته و این نیروها را به ارتکاب بزرگترین جنایت علیه بشریت تحریک و ترغیب می‌کند.

رهبری چین و جنبش غیر متعهدها

از آغاز پیدایش جنبش غیر متعهدها، که امروز متجاوز از ۸۰ کشور در قاره های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین را در بر می‌گیرد، رهبری مائوئیستی چین سعی در ایجاد تفرقه و نفاق در میان کشورهای عضو این جنبش داشته و تلاش کرده است که مواضع سیاسی و اندیشه‌های مائوئیستی خود را به این جنبش تحمیل نماید و آن را به ابزار رسیدن به اهداف ضد کمونیستی و جبهه -

گیری در برابر کشورهای سوسیالیستی تبدیل کند. "نظریه" های مائوئیستی "سه جهان" و "دو ابر قدرت" به همین منظور تدوین گردید و با همین هدف به تبلیغ و تلقین این "نظریات" در میان کشورهای مائوئیستی که هدفش محروم کردن این کشورها از حمایت و پشتیبانی سیاسی و کمک‌های اقتصادی و فنی جهان سوسیالیسم و در درجه اول اتحاد شوروی است، و در کترین - ها و سیاستهای نواستعماری امپریالیسم آمریکا، پس از فروپاشی سیستم استعماراتی برای کشاندن کشورهای نواستقلال به محیط نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم جهانی، موازات هم تدوین شدند. قبول نظریات مائوئیستی "سه جهان" و "دو ابر قدرت" در میان کشورهای نواستقلال و عضو جنبش غیر متعهدها، که در واقع به معنای گریز از جاذبه سوسیالیستی است، در عمل بمعنی محروم کردن این کشورها از امکان دستیابی به استقلال سیاسی و اقتصادی و ناگزیر شدن آنها به پذیرش سیاستهای نواستعماری امپریالیسم، یعنی پذیرفتن نفوذ و سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم و از دست دادن استقلال ملی است. بدین ترتیب این "نظریه" های مائوئیستی خدمتی است به امپریالیسم جهانی و سیاست نواستعماری آن و خیانتی است به خلق - هائی که از بند های استعمار و اسارت امپریالیستی رهائی یافته اند و در راه استحکام استقلال ملی و دستیابی به استقلال اقتصادی خود مبارزه می‌کنند.

در دوران اخیر، رهبری چین در تلاشهای تبلیغاتی خود برای ایجاد "جبهه" واحد مبارزه علیه کشورهای سوسیالیستی، سعی دارد چنین وانمود کند که کوبا منافع و اهداف کشورهای غیر متعهد با سیاست خارجی پکن مطابقت دارد و می‌کوشد رهبری خود را به جنبش غیر متعهدها تحمیل کند، در صورتیکه در مورد مهمترین مسائل بین المللی میان مواضع جنبش غیر متعهدها با مواضع سیاسی رهبری چین شکاف عمیقی وجود دارد. جنبش غیر متعهدها، برغم نظریات رهبری چین، یکی از اهداف عالی خود را آزادی و استقلال ملی، دوستی و همکاری میان خلق - ها و مبارزه علیه توطئه‌ها و سیاست های مداخله گرانه و نواستعماری امپریالیسم قرارداد داده است.

در صورتیکه رهبری چین هرچه بیشتر در راه هم پیوندی سیاسی و نظامی و اقتصادی با امپریالیسم آمریکا به پیش می‌رود و در تمام توطئه‌ها و خرابکاری‌ها و نقشه - های تجاوزی آن علیه کشورهای مستقل ملی و جنبش‌های رهائی بخش ملی فعالانه شرکت می‌کند و به دستیار امپریالیسم جهانی تبدیل شده است.

همکاریهای نظامی و سیاسی پکن با امپریالیسم آمریکایی علیه رژیمهای انقلابی

در بهمن ماه ۱۳۵۷، نیروهای مسلح چین از فونگ توتا، شهر ساحلی مونتگاتنی در امتداد یک جبهه ۱۶۰۰ کیلومتری، تجاوز خود را علیه ویتنام سوسیالیستی آغاز کردند. تجاوز نظامی چین به ویتنام سو -

سیالیستی، در سیاست چین یک پدیده استثنائی نبود. این تجاوز ادامه منطقی سیاست خارجی ماجراجویانه رهبری چین بر پایه توسعه طلبی، برتری جویی و بطور مشخص، نمودار روشنی از سرشت شوونیسم عظمت طلبانه در عرصه عمل بود.

فعالیت های تجاوز گرانه چین در منطقه جنوب شرقی آسیا با تجاوز به ویتنام سوسیالیستی پایان نیافت. هوانگ هوا، وزیر امور خارجه چین، در گفتگو با یک گروه از چین شناسان آمریکائی، در مورد عقب - نشینی نیروهای چین از ویتنام گفت که، این پایان جنگ نیست. این آغاز جنگی بزرگ است.

رهبری چین، همزمان با بسط روابط سیاسی و نظامی با آمریکا، با زاین نیز چنین پیوندهائی برقرار کرد. نیویورک تایمز در ۱ اکتبر ۱۹۷۲، از قول چوئن لای، نخست وزیر توفای چین نوشت:

"تا در روابط چین و آمریکا بهبود حاصل نشود، عادی شدن روابط چین و زاین امکان پذیر نخواهد بود."

پس از مسافرت برزیل، مشاور امنیتی رئیس جمهور پیشین ایالات متحد آمریکا به پکن و توکیو، که در سال ۱۹۷۸ انجام گرفت، بلافاصله معاهده چین و زاین به امضا رسید. معاهده چین و زاین بنیاد و پایه اساسی محور واشنگتن - پکن - زاین است، که رهبری چین و امپریالیسم آمریکا در کار ایجاد آن علیه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی هستند.

در مسئله بحران خاور میانه نیز سیاست پکن با امپریالیسم آمریکا، رژیم صهیونیستی اسرائیل و رژیم خیانت پیشه سادات هم - آهنکی کامل دارد. اولان هو، نایب رئیس کمیته دائمی مجلس نمایندگان خلق چین در سال ۱۹۷۸ به قاهره مسافرت کرد. روزنامه "الاهرام" چاپ قاهره در این باره نوشت:

"این دیدار موبد اتفاق نظر رهبری چین با رژیم سادات در مسائل جهانی و راه حل آنهاست."

رهبری چین اکنون در منطقه خاور - میانه و خلیج فارس با تمام رژیم های ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا روابط سیاسی و نظامی نزدیک برقرار کرده و در این منطقه از مواضع آمریکا و اسرائیل پشتیبانی می‌کند.

در ژوئن سال ۱۹۷۸ وایزمن، وزیر دفاع وقت اسرائیل، در ژنو با هوانگ هوا، وزیر امور خارجه چین، ملاقات کرد. از سال ۱۹۶۷، چین با اسرائیل روابط بازرگانی برقرار کرده است. در بیال گذشته میان دو کشور موافقت نامهای به امضا رسید که بموجب آن چین، معادل دو میلیارد دلار از اسرائیل اسلحه و تجهیزات نظامی خریداری می‌کند.

رهبری چین در تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه با امپریالیسم آمریکا همکاری می‌کند. به اعتراف ضیا الحق، رئیس جمهوری پاکستان، در دهه گذشته پاکستان قریب دو میلیارد دلار رکک نظامی از چین دریافت کرده است چین در بازسازی ارتش پاکستان و ایجاد تأسیسات نظامی و

رهبری مائوئیستی

بقیه از صفحه ۳

راه‌های استراتژیکی به پاکستان کمک می‌کند. لی‌زیان، معاون نخست وزیر چین، در مصاحبه‌ای با مجله "نیویورک تایمز" اظهار داشت:

"بزرگ راه قره قوم (که به کمک چین در پاکستان احداث شده است) به ما امکان می‌دهد که کمکهای نظامی خود را به پاکستان برسانیم."

در رویدادها، افغانستان، نقش تجاوزی و توطئه‌گرانه چین به نحوی بارز آشکار گردید. در توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و نظام دموکراتیک در افغانستان، چین به تأمین اسلحه و تجهیزات فئودالهای ناحیه بدخشان در امتداد مرز چین و افغانستان می‌پردازد و با سازماندهی افراد این قبایل، گروه‌های مسلح بزرگی را که توسط مستشاران نظامی چین آموزش می‌بینند، برای اجرای جنگ‌های پارتیزانی و عملیات خرابکاری به درون خاک افغانستان می‌فرستد. تا به امروز مستشاران و کارشناسان نظامی چین در اردوگاه‌های افغانستانی فراری در خاک پاکستان، به سازماندهی و آموزش گروه‌های تروریستی خرابکار و اعزام آنها به درون مرزهای جمهوری دموکراتیک افغانستان مشغولند.

رهبری مائوئیستی چین نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز همان شیوه توطئه و تحریک را برگزیده و از توطئه‌ها و نقشه‌های تجاوزی و تدارکات جنگی کسترده امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می‌نماید. در جریان اشغال جاسوسخانه آمریکا در تهران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، رهبران چین از محاصره اقتصادی و دیگر اقدامات ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند و پس از تجاوز نظامی نافرجام آمریکا در عملیات طیس، از عدم موفقیت و شکست این عملیات ابراز تأسف نمودند.

بدین ترتیب رهبری مائوئیستی چین در تمام مناطق جهان در اقدامات تجاوزی و توطئه علیه انقلابها و جنبش‌های بخش به دستیار امپریالیسم آمریکا تبدیل شده است. در محافل پیمان نظامی "تاتو" چین را بعنوان جناح شرقی پیمان "تاتو" تلقی می‌کنند. و به همین علت است که دولت ایالات متحده آمریکا تمام موانع را برای واگذاری اسلحه و مهمات به چین برطرف می‌کند. همین چندی پیش سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد که کاخ سفید در نظر دارد به زودی تکمیل و لوزی تسلیحات مدرن را در اختیار چین بگذارد. وی افزود که تصمیم نهایی در باره این موضوع در آستانه سفر سه روزه هیئت وزیر امور خارجه آمریکا به چین اتخاذ خواهد شد.

هوانگ هوا، وزیر امور خارجه چین، در جلسه مشاوره‌ای که از مقامات عالی‌رتبه حزب، دولت و ارتش چین تشکیل شده بود طی سخنرانی خود درباره سیاست خارجی چین اظهار داشت:

"خطوط اصلی استراتژی چین مانند گذشته بلا تغییر است."

وی در این باره گفت: "بعنوان مثال بوسکلاوی از نظر ماهنوز رویزونیست و هند توسعه طلب است. اما باتوجه به اینکه فقط در یک جنبه می‌توان جنگید، بنابراین در حال حاضر رویزونیست بودن بوسکلاوی و توسعه طلبی هند باید در درجه دوم اهمیت قرار گیرد و تابع نیاز کنونی ما باشد. نیاز کنونی ما آوردن آمریکا به کار

خودمان است. ما نتوانیم همه نیروها را علیه دشمن اصلی، که اتحاد شوروی است متمرکز سازیم."

این اظهارات صریح وزارت امور خارجه چین، که بیانگر سیاست خارجی و استراتژی کلی رهبری چین در سطح جهانی است، با نقشه‌های نظامی - استراتژیکی امپریالیسم لیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که هدف عمده آن براندازی سو - سیالیسم جهانی و از این راه دست یافتن به سلطه جهانی است، هماهنگی کامل دارد و موید این واقعیت است که امروز چین در جنبه متحد امپریالیسم جهانی علیه جهان سوسیالیسم، کشورهای مستقل ملی و تمام نیروهای ترقیخواه ضد امپریالیستی جهان قرار گرفته است.

نظام اجتماعی در چین و سرنوشت آن

مسئله چگونگی نظام اجتماعی موجود در چین باتوجه به تحولاتی که در مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی رهبری مائوئیستی این کشور انجام گرفته، از جمله مسائل بحث انگیزی است که هنوز پاسخ روشن و مشخص به آن داده نشده است.

آیا پس از این تحولات در مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی، نظام اجتماعی در چین، نظام سوسیالیستی است؟ آیا هنوز چین یک کشور سوسیالیستی به شمار می‌رود؟ روشن است که تغییر در مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی رهبری چین تغییراتی است که در رونمای نظام اجتماعی آن کشور صورت گرفته است. باتوجه به پیوستن دیالکتیکی و تأثیرات متقابلی که رونما و زیربنای یک نظام اجتماعی در یکدیگر دارند، می‌توان گفت که زیربنای نظام اجتماعی چین در دراز مدت می‌تواند از تحولاتی که در رونمای نظام اجتماعی آن انجام گرفته، متأثر گردد و این تأثیرات می‌توانند موجب تحولاتی در زیربنای نظام اجتماعی آن کشور پدید آورند. انقلاب سوسیالیستی در نظام اجتماعی جامعه تحولات بنیادی عمیق بوجود می‌آورد. این تحولات قبل از هر چیز براندازی مالکیت خصوصی برافزاتولید و در نتیجه تغییر مناسبات تولیدی است. بدین ترتیب، پس از انجام چنین تحولاتی، بازگشت به سوی نظام کهنه، که مبتنی است بر مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و در نتیجه مناسبات تولید سود و استثمار، کار آسانی نیست. تحولات ضد انقلابی عمیق می‌تواند راه چنین بازگشتی را هموار سازد و از این رو چنین بازگشتی را نمی‌توان منتفی دانست، از سوی دیگر بر بنیاد تجاری که وجود دارد رهبری یک کشور ممکن است در دوران معینی سیاست‌های نادرستی را اجرا نماید و خطاهایی را مرتکب شود، و این نادرستی - ها و خطاها در زیربنای اقتصاد سوسیالیستی تثبیت شده در جامعه، موجب تغییرات ماهوی نگردد. سیاست نادرست و اشتباهات، روند ساختن سوسیالیسم را متوقف می‌سازد و در بنیاد آن انحرافات می‌پدید می‌آورد که موجب تضعیف و سنج آن خواهد شد.

این مطلب روشن است که رهبری مائوئیستی چین سیاستی را اعمال می‌کند که در راستای اهداف و منافع واقعی زحمتکشان جامعه، چین نیست. این سیاست در عرصه جهانی بر ضد سوسیالیسم و همپوندگی سیاسی و نظامی با امپریالیسم جهانی و علیه انقلابها و جنبش‌های رهایی بخش خلقهاست. از سوی دیگر کسترش روابط و همکاری -

بره سبزه‌ها به جنایات خود در سالوادور ادامه می‌دهند

اکنون "ای. اف. ال. سی. آی. او." نیز آشکارا بیاری مداخله‌گران یانکی شناخته است.

ظاهراً "بره سبزه‌ها" خود نیز دریافت‌هاند که ماموریت جدید آنها در سالوادور و نه در آمریکا با "استقبال" چندانی روبرو نمی‌شود! یکی از این "بره سبزه‌ها"، که زمانی در ویتنام "خدمت" می‌کرد، به خبرنگار "تایم" گفته است:

"برای ما در ناگه است که مردم آمریکا در پشتیبانی از ما ریخ می‌ورزند. آنها ما را فقط آدم مکش می‌پندارند."

کلارنس دی. لانگ، نماینده "کشور" آمریکا از ایالت "مری لند" اظهار نظر کرده است که مداخله نظامی "واشنگتن بارد یکر" احساسات مردم را علیه دیپلوماسی تویدارو امپریالیسم یانکی برخواهد انگیزد. از سوی دیگر "وال استریت جورنال" ارکان سرمایه مالی ایالات متحده آمریکا معتقد است که:

"نباید درگیری ما را در سالوادور امری جزئی پنداشت. جهان باید بداند و به مردم آمریکا باید فهماند که ما هیچ روی اجازه نخواهیم داد که سالوادور هم راه کوبا و نیکاراگوئه را بیاماید و ما از هر وسیله‌ای برای جلوگیری از چنین رویدادی استفاده خواهیم کرد."

در این گفته، دگرترین مداخله جوسی محافل تجاوزکار امپریالیسم ایالات متحده آمریکا به گستاخانه ترین گونه بازتاب می‌یابد. یادآوری شویم که این تنها "بره سبزه‌ها" نیستند که بنیادی ترین حقوق ملی خلق سالوادور را پایمال می‌سازند. در اینجا، رهبران اتحادیه "سندیکاتی ای. اف. ال. سی. آی. او." نیز اینک نقش خود را ایفا می‌کنند.

بگفته رسواگرانه ویلیام دوهرتی، مدیر "انستیتیوی آمریکائی تحول آزادانه‌کار، که از سوی "ای. اف. ال. سی. آی. او." برای جاسوسی در جنبش کارگری آمریکائی لاتین پدید آمده است، این انستیتیو نیز "در تحولات تأسف انگیز و نا آرام سالوادور فعال شده است."

چنانکه می‌بینیم، محافل تجاوز کار امپریالیسم آمریکا همه امکانات خود را برای خفه کردن ندای آزادی طلبانه مردم قهرمان سالوادور برآه انداخته‌اند. با این همه، جنبش همبستگی بین المللی با میهن دوستان مبارز سالوادور نیز روزیروز کسترش می‌یابد. جهانیان، پیش از پیش، امپریالیسم یانکی را فراموش خوانند، تا از مداخلات تبه کارانه خود در سالوادور دست بردارند.



چنانکه چندی پیش یک سخنگوی فرماندهی عالی "جبهه آزادی بخش ملی فارابوندومارتی" اعلام داشت، ایالات متحده آمریکا کمک نظامی خود را به رژیم دست نشانده خویش در سالوادور "بگونه هشدارنده‌ای شدت بخشیده است."

حتی "یو. اس. نیوزاند ورلد ریپورت"، یکی از ارشادهای بورژوازی بزرگ آمریکا چندی پیش نوشت:

"با افزایش کمک‌ها و کارشناسان، همچنین این بیم بالا می‌گیرد، که ایالات متحده آمریکا به جنگی کشانده شود، که از آن نمی‌تواند پیروز درآید."

این هفته نامه، به نقل از یک کشیش کاتولیک، گزارش می‌دهد که یک واحد ارتشی سالوادور، زیر فرماندهی اونیفورم پوشی آمریکائی، "به دفتر روزنامه اورین تاسیون" (وابسته به محافل کلیسای کاتولیک) رفت و، پس از ضرب و شتم روزنامه نگاران، دستور تعطیل آن را داد.

"یو. اس. نیوزاند ورلد ریپورت" همچنین به نقل از ساکنان چند روستا، می‌افزاید که "مشاوران آمریکائی، همراه با سربازان "خونتا"، در چندین عملیات رزمی شرکت مستقیم داشته‌اند.

البته مطبوعات ارتجاعی چنین وانمود می‌کنند که مداخله آمریکائیها در سالوادور که برای تأمین مالی آن، بذفته مقامات رسمی تاکنون ۲۵ میلیون دلار به "خونتا" واگذار شده است، گویا اقدامی "سخت‌اندانه" و برای نجات "آزادی و دموکراسی" بوده است.

حال ببینیم چه کسانی می‌خواهند مردم سالوادور را، که به "شکرانه حکومت" دست نشاندهگان آمریکائی می‌آزادانه بسواد و یک سوم آنان بیکار هستند، "شیوه دموکراتیک زندگی" بیاموزد.

چند روز پیش "تایمز" در گزارشی ویژه درباره استفاده از "بره سبزه‌ها" در سالوادور نوشت که:

"مقایسه گزیرناپذیر با مشاوران ایالات متحده آمریکا، در مرحله نخستین جنگ ویتنام، آموزشگران پنتاکون" را بر آن داشته است که "تا آنجا که ممکن است زیاد سرو و صدایش را در نیاروند."

اما همه کس می‌دانند که "یکان‌های آموزشی کوچکی" در نزدیکی میدان جنگ مستقر می‌شوند. اینان وابسته به هنگ هفتم "نیروهای ویژه" هستند که همه بهاسپا - نیولی فصیح صحبت می‌کنند بیشترشان پیش از این نیز در دیگر کشورهای آمریکا لاتین به تعلیم مشغول بودند.

های اقتصادی با دول امپریالیستی در جهت فراهم کردن تسهیلات لازم جهت سرمایه گذاری این کشورها در چین و بازگرداندن تعدادی از موسسات تولیدی صادره شده به صاحبان پیشین آنان عامل مهم دیگری است که، همراه با تأثیرات منفی مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی، یعنی عوامل رونمایی، به روند انحراف در زیر بنای اقتصادی سوسیالیستی کشور شتاب

بیشتری می‌بخشد و در دراز مدت می‌تواند موجب تحولات بنیادی در زیربنای اقتصادی کشور گردد. کسترش و تعمیق این سیاست در روابط و همکاری‌های اقتصادی چین با دول امپریالیستی است که می‌تواند در زیربنای اقتصادی نظام سوسیالیستی تأثیرات منفی ژرفی را به همراه داشته باشد.

سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم

انحصارات بزرگ امپریالیستی در اواخر دهه گذشته به این نتیجه رسیدند که ادامه سیاست تشنج زدائی بین دنیای سوسیالیسم و دنیای سرمایه داری بزرگترین زیان راه منافع دراز مدت آنها وارد خواهد نمود...

سیاست همزیستی صلحت آمیز عوامل بحران زای داخلی و خارجی دنیای امپریالیسم را تقویت می کند، دست دولت های امپریالیستی را برای مداخله مسلحانه در امور سایر کشورها و صدور ضد انقلاب می بندد و مرگ تدریجی سرمایه داری را ممانعت از نظام منحنی که بر پایه استثمار و ستم بنا شده است، تسریع می کند...

اقتصاد آمریکا که با بحران دست به گریبان است، در اثر سیاست ماجراجویانه ای که دولت ریگان در پیش گرفته و ۲۲۶

تفسیر وقایع مهم جهان

میلیارد دلار راه چاه ویل سابقه تسلیحاتی می ریزد، آسیب پذیر تر خواهد شد و این غول بیمار سرمایه داری راه تلاش بیشتر برای خروج از بحران بحساب سایر خلقها و در وهله اول بحساب خلقهای دنیای سوم برخواهد انگیخت...

این که امپراطوری بریتانیا، علیرغم تمام تلاشهای چرچیل بلافاصله پس از جنگ به فرو پاشی آغاز نمود، و اینکه حکومت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از هیچ حيله و قسوتی برای جلوگیری از این فرو پاشی دریغ نکرد، بر ماو تاریخ معلوم است...

جنبش صلح اوج میگرد

سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم با واکنش شدید خلقهای جهان، بویژه خلق های اروپا روبرو شده است. مردم این قاره، برخلاف آمریکا تنها که هرگز جنگی در خاک خویش ندیده اند، از جنگ وحشت دارند...

خواستار منع استقرار سلاحهای هستهای آمریکا در خاک آلمان فدرال شده بودند. به هلموت اشمیت صدراعظم آلمان غربی تسلیم شد. در اواخر ماه گذشته گروهی از مبارزان راه صلح که هسته اصلی آنان را زنان نیروی تشکیل می دادند، در کپنهاگ گرد آمدند و راه پیمائی صلح خود را آغاز نمودند...

این راه پیمائی بی نظیره، روز ادامه خواهد یافت و پس از گذشتن از کشورهای آلمان فدرال، هلند و بلژیک به پاریس خواهد رسید و در ضمن راه پیوسته برانپوه راه پیمایان افزوده خواهد شد. شعار این راه پیمائی این است: "اروپا بدون سلاح اتمی!"

پیام صلح شوروی

شورای عالی اتحاد شوروی در اجلاسیه اخیر خود، پیامی به تمام پارلمان ها و خلق های جهان فرستاد. در این پیام که بوسیله لئونید برزف رهبر اتحاد شوروی قرائت شد، گفته می شود: "باید با تمام نیرو کوشید که مسائل مهم و حاد بین المللی را از راه گفتگو حل و فصل نمود و قبل از هر چیز از آغاز دور تازه سابقه سلاحهای هستهای جلوگیری کرد. هر روز تأخیر در آغاز گفتگو خطر بروز جنگ هستهای را به همان نسبت افزایش می دهد."

هرگز به مقصود خود نائل نخواهد شد. اما طبقات محکوم به زوال، که بورژوازی امپریالیستی در رأس آنان است، هرگز از تلاش برای ممکن ساختن "غیر ممکن" دست برنداشته اند. تاریخ استعمار و امپریالیسم سراسر پر از همین گونه تلاشهای ماجرا - جویانه برای بازگرداندن آب رفته بجوی و بدنهال آن شکست های تلخ از قبیل شکست ویتنام و کوبا... است. با اینهمه تا امپریالیسم باقی است، تلاشهایش و شکست هایش هم باقی است. چنین بنظر می رسد که این بار امپریالیسم آمریکا بزرگترین ماجرا - جویی تاریخی خود بر ضد انقلاب ایران را تدارک می بیند و طعم یکی از بزرگترین شکست هایش را نیز در همین جا خواهد چشید.

طرح اشغال ایران بوسیله سپاه واکنش سریع

- مجله آمریکائی نیوزویک (شماره ۸ ژوئن سال ۸۱) "سناریوی" اشغال ایران به وسیله سپاه واکنش سریع را بدین نحو شرح می دهد: ۱- تیپ آف بی (زمینی - دریایی) مستقر در اوکیناوا مأموریت خواهد گرفت که بدو گروه رزمی اقیانوس هند ملحق شود. ۲- ناوهای خط مقدم حامل تجهیزات و وسایل جنگی، دیکوگارسیا را بمقصد خلیج فارس ترک خواهد نمود. ۳- آمریکا با اطلاع عربستان سعودی یک تیپ هوابرد به ظهران می آورد. ۴- تفنگداران دریائی آمریکائی برای تأمین تسلط بر تنگه هرمز در بندر عباس پیاده خواهند شد. ۵- نیروی دریائی آمریکا وارد خلیج فارس خواهد شد و در آبادان نیرو پیاده خواهد کرد. ۶- تیپ هوابرد که در پایگاه عربستان سعودی است، از راه هوا به آبادان منتقل خواهد شد، تا معادن نفت را سالم نگاه دارد. ناوهای خط مقدم به ظهران خواهند آمد تا به یک تیپ هوابرد دیگر، که از کالیفرنیا می آید، ملحق شوند. ۷- هواپیماهای آمریکائی معابر زاگرس را بمنظور متوقف ساختن پیشروی ارتش شوروی بمباران خواهند کرد. ۸- نیروهای آمریکائی در ایران بوسیله نیروهائی که از راه دریا می رسند تقویت خواهند شد. مجله نامبرده می نویسد: در این طرح پیش بینی شده است که ایالات متحده باید اطلاعات جاسوسی وسیعتری بدست بیاورد و در حمله به ایران پیشدستی کند. اینست آنچه مجله نیوزویک، که یکی از مطلع ترین مجلات آمریکائی است، مینویسد: آیا این حرفهائیکه مجله می نویسد جدی است یا خوابهای خوش امپریالیسم آمریکا است، که هرگز تعبیر نخواهد شد؟ در این که آمریکا تنها چنین نقشه هائی در سر می پروراند، شکی نیست. ولی صحبت بر سر آن است که این تلاشهای ماجراجویانه، اگر هم روی دهد، نتیجه نهائی آن چیزی جز شکست نخواهد بود. برای امپریالیست های آمریکائی، که با یک اشاره سرانگشت شان تمام دروازه های ایران برویشان باز می شود، شنیدن صدای مرگ بر آمریکا که از دهان میلیونها ایرانی بد رمی آید، قابل تحمل نیست. ایران یا باید تسلیم شود (که محال است) و یا باتوطئه های رنگارنگ و مداخله

آیا می توان مسئله اشتغال راد کشور های در راه رشد حل کرد

پدیده "بیکاری علاوه بر کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای در راه رشد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین رانیز زیر ضربه خود قرار داده است. هر روز بر نگرانی مردم بویژه جوانان از خطر بیکاری افزوده می شود. این نگرانی بیپایه نیست. زیرا در پایان دهه ۷۰ تقریباً ۲۰ میلیون بیکار و نیمه بیکار که ۵۰٪ جمعیت فعال این کشورها را در بر می گیرد وجود داشت ارقام بیکاری در کشورهای صنعتی سرمایه داری ۳۰ میلیون و کمی بیش از ۸٪ جمعیت فعال است. برخی از اقتصاد دانان بورژوا معتقدند که اگر این گرایش ادامه یابد تا سال ۱۹۹۰ بیکاری در کشورهای در راه رشد به ۲۳٪ خواهد رسید.

علت چیست؟

بدواً باید گفت که ویژگی سالها اشتغال در کشورهای در راه رشد قبل از هر چیز به جا و نقش سنتی آنها در اقتصاد جهانی سرمایه داری مربوط می شود. آنها حاشیه کم رشد، اسیر و استثمار شده سرمایه داری ران تشکیل می دهند و به تهیه محصولات کشاورزی و مواد اولیه و اخیراً به تولید برخی کالا های صنعتی می پردازند. امری - یالیم از اراده "کشورهای آزاد شده در رسیدن به استقلال اقتصادی از طریق صنعتی شدن سود می جوید. افزایش سریع سرمایه گذاری های خصوصی خارجی در صنایع تبدیل مواد شیمی و سایر شاخه های صنعتی کشورهای در راه رشد طی سالهای ۶۰ و ۷۰ این نکته را تأیید می کند پایه صنعتی شدن کشورهای در راه رشد بطور محسوس عالی تر از پایه انقلاب صنعتی قرن های هیجدهم و نوزدهم در اروپا و آمریکا است. نتیجتاً این است که صنایع جدید به نیروی کار کتری نیاز دارند. در پاره ای بخش ها کاهش تعداد شغل ها گاه مطلق است.

در بسیاری کشورهای در راه رشد شیوه اقتصادی سرمایه داری که به شیوه سلطت تبدیل شده یا در حال شدن است به روستائیز سرایت نمود. با سازی در - ناک روابط تولید از آنجا است. "انقلاب سبز" که مبتنی بر تکنولوژی کشاورزی است مانند یک کاتالیزور در این روند از دهه ۶۰ دخالت داشته است.

"انقلاب سبز" در حالی که شرایط فنی برای حل مساله غذایی تدارک نمود به نابرابری های مادی و اجتماعی در روستا عموماً بیشتری داد. ثمرات این انقلاب مخصوصاً نصیب بورژواها، اشراف و دهقانان دولت مند می شود که به استثمار مزد بگیران پرداخته و با استثمار آنها به سرمایه دار تبدیل می - شوند. ایسان با طرد زارعین از زمین ها به توسعه "فاجعه آمیز بیکاری کمک می کنند. یک علت دیگر بیکاری افزایش نیروی کار شهری بعلت از دیاد طبیعی جمعیت است که از آن بعنوان "انفجار جمعیت" نامی - برند.

چنانکه در پایان دهه ۷۰ تقریباً نیمی از صنایع انسانی در تولید کشورهای در راه رشد به صورت تمام شاغل و نیمه شاغل بکار اشتغال داشتند.

وجود ارتش عظیم بیکاران و نیمه بیکاران چیزی جز اتلاف صنایع عظیم مادی جامعه نیست. بنابراین واقعیت و قریب نیمی از افزایش محصول ناخالص ملی در کشورهای در راه رشد آسیا و آفریقا و دولت آن در آمریکا لاتین که سطح کنونی آن بسیار

نازل است برای حفظ صرف جمعیت رو به افزایش بیکاری رو - حکومت های اکثریت کشورهای رو به رشد برای تأمین سرمایه رشد کشور به کمک مالی خارجی نیاز دارند. آنها مرزهایشان را به روی سرمایه خصوصی خارجی می کشانند و از سازمان های مالی سرمایه داری جهانی بانک های خصوصی خارجی و دولتی اعتبار و وام دریافت می کنند. این امر باعث وابستگی اقتصادی این کشورها به امری - لیم شده و بیش از پیش بر حجم وام های خارجی شان می افزاید.

در جستجوی گریز

به عقیده اغلب دانشمندان، اشر گرایش های کنونی اجتماعی - اقتصادی باقی بماند، مساله اشتغال در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین مخصوصاً تا پایان قرن شدت می یابد. شمار نیروی کار در دنیای روبه رشد در سال ۲ هزار در مقایسه با ۱۹۷۶ به دو برابر خواهد رسید. برای این که کشورهای مذکور بتوانند از نیروی انسانی خود به تعامی بهره گیرند، باید بیش از یک میلیارد شغل که دو برابر میزان امروز است، بوجود آورند. کشورهای در راه رشد برای اشتغال تمام جمعیت فعال تا پیش از سال ۲ هزاره ۵ هزار میلیارد دلار نیاز دارند. این تقریباً ۱۰ بار بیش از مجموع تولید ناخالص ملی آنها در ۱۹۷۵ است. بدیهی است که آنها نمی توانند تا این سطح در تولید سرمایه گذاری کنند و بنابراین وضع اشتغال لا ینحل می ماند. تنظیم این مساله ضرورت مبرم دارد. بیکاری که توده عظیمی از نیروهای مستعد به کار را در بر می گیرد و باعث خرابی اوضاع مادی قشرهای وسیع اجتماعی و رکود اقتصادی می شود و بر شدت کم رشدی و وابستگی به امریالیم می افزاید تا بی نهایت دوام نخواهد یافت. این وضعیت بروخامت اوضاع می افزاید و سرانجام به درهم ریختن خشونت بار سلطه "امپریالیم و غارتگران دولت مند محلی و سمت گیری کشور به راه غیر سرمایه داری منجر خواهد شد.

بنابراین نه تنها محافل دولتی کشورهای در راه رشد، بلکه مدافعان سرمایه انحصاری نیز خود را ناچار می بینند که برای سایل اجتماعی - اقتصادی این کشورها و همچنین برای مساله اشتغال راه حل - هایی بیابند.

همانطور که واقعیات نشان می دهند کشورهای دارای سمت گیری سرمایه داری در دهه ۷۰ در حال این مساله هیچ توفیقی بدست نیاوردند. کاهش خفیف سطح بیکاری در مجموع آن تأثیر محسوسی نداشته است. باتوجه به این که کشورهای صنعتی سرمایه داری از راه های کوناگون بیکاری خود را به این کشورها صادر می کنند، امید به حل این مساله در چارچوب وابستگی به امریالیم و راه سرمایه داری باقی نمانده است.

تنها راه واقعی

با وجود این، تاریخ جهانی در زمینه محوسریع بیکاری و گذار به استفاده کامل و موثر از صنایع انسانی در جهت رشد شتابان اقتصادی تجربه های گرانبهایی در اختیار دارد. پیش از همه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در این زمینه نمونه - وارند. کشورهای آفریقائی - آسیائی

باز هم درباره مسئله حیاتی آب زراعی

در دشواره پیش پیرامون مسئله حیاتی آب زراعی سخن گفتیم، مناسب می دانیم که این بحث برای روشن شدن جوانب دیگر این مساله دنبال شود.

آب، این عنصر حیاتی مورد نیاز موجود زنده و گیاه در رژیم مغفوکذشته بر اثر سیاستهای خائشان و خانمان براندازان رژیم بصورت مشکل بزرگی بویژه در زمینه کشاورزی درآمد.

مشکل آب، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران با وجود تلاش شبانه روزی نهاد های انقلابی در جهت حل آن هنوز بصورت مانع بزرگی وجود دارد و مردم ما برای بی افکندن استقلال و بهر روزی باید این مانع را از سر راه پیشرفت میهن انقلابی خود بردارند.

آب و زمین دو پایه اصلی در میان عوامل مربوط به تولید کشاورزی هستند و کشور ما نیز در تقسیم بندی جغرافیائی از مناطق نیم خشک کره زمین و دارای آب و هوای کوناگون متنوعی است وجود سیستم بزرگ مالکی در روستاها و عدم اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی از سوئی و فقدان برنامه ریزی های واقع بینانه و علمی و نیز نبودن قانونی که جزئیات چگونگی بهره روری تولید کنندگان محروم از آب را به طور غیر عادلانه و انقلابی مشخص کند. از سوی دیگر، موجب شده است که مسائل اصلی مربوط به آب همچنان در روستاها لا ینحل باقی بمانند.

در این جا برای توضیح بیشتر مطلب نمونه هایی از مشکلات مربوط به آب را در نقاطی از کشورمان ارائه می کنیم:

نمونه اول: کرمان
یکی از مشکلات اساسی در روستاهای کرمان پس از زمین، کمبود آب است. این امر به تلاش برای بالا بردن سطح تولیدات کشاورزی تأثیر بسیار سوئی گذاشته است. بعنوان مثال در روستای قناتستان که کشاورزی باید بصورت آبی صورت گیرد به دلیل ناصاعد بودن کیفیت زمینها روستا و موقعیت اقلیمی بصورت دیم انجام میشود. آب کشاورزی روستا از طریق یک رشته قنات تأمین می شود مقدار آب این قنات ۹۰۰ جرعه (هر جرعه معادل ۲۴ دقیقه آب) است.

لازم به توضیح است که اراضی کشاورزی این روستا در رژیم گذشته متعلق به بزرگ مالکان بود لیکن بهنگام اصلاحات ارضی کذائی شاهانه و از آنجا که هدف رژیم نابودی کشاورزی ایران بود زمینها بدون آب به کشاورزان فروخته شد و آب این زمین - ها در دست بزرگ مالکان بود و از جانب آنان به کشاورزان فروخته می شد. توزیع آب از آن زمان تاکنون بهمین طریق ادامه دارد و بصورت جرعه ای و بغاصه پانزده روز یکبار توزیع می گردد. بهای آب نیز به صورت تصاعدی همه ساله افزایش می یابد، بطوری که برای مثال آب از مهرماه این سال تا مهرماه سال بعد به قیمت هر جرعه ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ ریال به کشاورزان اجاره داده می شود.

نمونه دوم: بندر ترکمن
در ۴ کیلومتری جنوب بندر ترکمن رود خانهای بنام قره سو قرار دارد این رودخانه پس از گذشتن از روستاهای سنجوال و

نیاز آباد به دریای خزر می ریزد. رودخانه قره سو غالباً همه ساله در اثر بارندگی زیاد طغیان می کند و خسارات مالی زیادی به کشاورزان و محصولات کشاورزی وارد می آورد. اصال بر اثر طغیان این رودخانه آب... هتکار گندم و جو را فرا گرفت و در نتیجه محصولات از بین رفتند. لازم به ذکر است که دامنه خسارات وارده اصال بیش از سالهای گذشته بوده است. علاوه بر این آب رودخانه قره سو پس از طغیان جاده "بندر ترکمن به کرکان در محل "آق امام" را فرا گرفته و عبور و مرور را مشکل کرده است.

نمونه سوم: دشت قزوین
دشت قزوین یکی از مناطق حاصلخیز ولی کم آب کشورمان است. در رژیم مغفور گذشته در این منطقه صدها چاه عمیق برای آبیاری احداث شد ولی هیچگاه بصورت علمی و به سود کشاورزان زحمتکش و تهیدست مورد استفاده قرار نگرفتند. چاههای مذکور در رژیم خیانت پیشه گذشته در دست سرمایه داران و عوامل آن رژیم بود و این زالمصفتان از چاهها به سود خود و بزبان کشاورزان بهره برداری می کردند. پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران اکثر این چاهها به مالکیت دولت جمهوری اسلامی ایران درآمدند. اما چند ماه قبل مسئولین شهرستان قزوین بدون اطلاع روستائیان اقدام به افزایش قیمت آب کردند که این مسئله موجب ناراحتی و نگرانی روستائیان شده است.

نمونه چهارم: ساری
بسیاری از روستاهای ساری بطرفی با مشکل آب روبرو هستند از جمله در روستای سورک یکی از معضلات روستائیان در فصل کشت معضل کمبود آب است. در اطراف روستا نه آب بندان وجود دارد و نه رودخانه و تنها وسیله تأمین آب چاه است. روستائیان بدلیل ضعف بنیه مالی و فقدان امکانات جهت حفر چاه قادر به تأمین آب مورد نیاز کشاورزی نیستند.

در مجلس شورای اسلامی ایران:

ما با شهدایمان به امریکای جهانخوار ثابت کردیم که یاوه سرایی می کند

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی پس از فاجعه اسفناک شهادت ۲۲ تن از نمایندگان مردم در جریان انفجار سالن اجتماعات حزب جمهوری اسلامی، در میان تأثر فراوان رئیس و اعضا مجلس، روز، اتیر ماه تشکیل شد. در این جلسه چند تن از نمایندگان که در این حادثه مجروح شده بودند، شرکت داشتند.

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه، علی اصغر باغانی، از بیمارستان به جلسه آمده بود. وی در آغاز سخنان خود با تأکید بر اینکه "امریکای جهانخوار جنایت پیشه از آغاز تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران تبلیغات همه جانبه خود را متوجه قوای حاکم جمهوری کرده بود" گفت: "امریکا و عمال آن در این راه زکودنای نظامی، جنگ تحمیلی و... همه و همه را تجربه کردند و وقتی دیدند این کارها به نتیجه نمی رسد، دست به فجیع ترین جنایات زدند. دشمن کوردل آخرین ترفند خود را به کار برد و با انفجار سالن مرکزی حزب جمهوری اسلامی بیش از ۲۲ تن را شهید و تعدادی را مجروح کرد. تا ۳ قوه تلاش می شود. اما دشمن کوردل مردم را فراموش کرده و بحق آن ها را شناخته است."

ناطق سپس به مقایسه توطئه شاه و عمال وی در آتش زدن سینما رکس آبادان بمنظور ایجاد وقفه در انقلاب، با توطئه اخیر عمال امریکای پرداخت و گفت: "برغم آن توطئه ها ملت راه خود را گرفت و رفت. تازه آن موقع مردم بودند و ایمانشان نه حکومت، نه اسلحه، هیچ چیز نداشتند، اما امروز چه؟ همان ملت هست، ارتش هست، سپاه هست و حکومت در دست ماست، آیا با این کارها دشمن می تواند سد راه این ملت شود؟ دشمن کورخوانده است! دومین ناطق این جلسه زرهانی بود که، ضمن اشاره به توطئه های جنایتکاران فاشیست تأکید کرد که "مجلس با این کارها از اکثریت نمی افتد و مجلس روزی از اکثریت می افتد که آن ها ملت ایران را از اکثریت بیاندازند." وی آنگاه به شکست آخرین توطئه امر-یالیسم امریکا، که در بنی صدر تبلور یافته بود، اشاره کرد و گفت:

"آن ها اینک به توطئه های دیگری روی آوردند، ولی باید بدانند که این حربه - های تکراری برایشان چاره ساز نخواهد بود و این جنایات ها که بیشتر ناشی از ضعف است، کار بردی ندارد..."

سومین ناطق، آقا محمدی بود، که به تشریح توطئه امریکا برای جایگزینی جبهه ملی و نهضت آزادی به جای شاه پرداخت و سپس با اشاره به شکست این طرح گفت: "دشمن وقتی موفق نشد مهره پیش ساخته مہیائی به نام بنی صدر را آورد و جایگزین کرد. خط امریکا همه تلاش خود را کرد که مجلس هماهنگ با رئیس جمهور یعنی با امریکا باشد... اما موفق نشد."

آیامی توان...

دارای سمت گیری سوسیالیستی نیز در این قلمرو به پیشرفت هائی نایل آمدند. لغو مالکیت خصوصی بروسایل تولید و محو استثمار انسان از انسان که از آن مالکیت سرچشمه می گیرد، یک اصل عمومی برای زدودن بیکاری در کشورهای سوسیالیستی

آقا محمدی در ادامه سخنان خود، ضمن اشاره به این که "جرم بهشتی این بود که می گفت بدون تشکل نمی توان در برابر امریکا ایستاد" گفت:

"در این قتل کسان بسیاری شریکند، آنان که با امریکا هموائی کردند، با ولاست فقیه مخالفت کردند، با نهاد های انقلابی مخالف بودند و قصد داشتند رژیم شاهنشاهی را تثبیت کنند، آنان با امریکا برسر یک میز نشستند و همان نشست آنها انقلاب دوم را بوجود آورد... آنان که به مستضعفین کینه داشتند... مقدمات این جنایت امریکا را فراهم ساخته بودند." وی در پایان، در حالیکه فریاد می زد، گفت:

"ای امریکا، ای شیطان بزرگ، ای دشمن شماره یک انقلاب اسلامی ایران، مرگت نزدیک است."

حجت الاسلام خلخالی، ناطق بعدی نیز ضمن سخنانی تصریح کرد که: "ما با این همه شهدایمان به امریکای جهانخوار ثابت کردیم که بیخود بژوزه می کشند و یاوه سرایی می کنند."

سازگار نژاد، سخنران بعدی، فاجعه انفجار سالن مرکزی جمهوری اسلامی را ادامه توطئه های قبیلی امریکا خواند و تأکید کرد که این عمل به دنبال "حذف خط کرایش به غرب" صورت گرفت و هدف آن ساقط کردن سه قوه بود. وی در ادامه سخنانش از مردم خواست که "با حضور فعال در صحنه عمال امریکائی را سرکوب کنند" و از مسئولین نیز خواست که "کار خود را در جهت مستضعفین و سرکوبی مستکبرین به رهبری امریکا بطور مداوم و پیکرانجام دهند."

در حاشیه مجلس شورای اسلامی



حضور نمایندگان مجروح، به جلسه مجلس حال و هوای ویژه ای داده بود. تنسی چند از این نمایندگان روی تخت بیمارستان به جلسه مجلس آمده بودند، تا مجلس از اکثریت نیفتد.

وی نطق خود را با شعار "مرگ بر امریکا" به پایان رساند.

سخنران بعدی موسوی بود که در آغاز به نامه مجاهدین خلق به مجلس مبنی بر اینکه "نمایندگان مجلس در صورت تصویب عدم کفایت سیاسی بنی صدر، باید آماده پذیرش هواقب آن نیز باشند" گفت: "انقلاب ما متکی به افراد نیست و با ترور مقامات متزلزل نمی شود، بلکه ثبات بیشتری می یابد مردم مانیز باید در صحنه - هائی به حقانیت راه خود پی می برند." آخرین ناطق پیش از دستور حجت - الاسلام معاد پخواه بود، که ضمن سخنانی از جمله گفت:

"ما امروز یک نظام منسجم داریم و این انسجام امریکا و عمالش را رنج می داد. این انسجام امروز به برکت خون شهیدان بیشتر شده است و امریکا باید بداند - که خطش کور شده است و این نظام ریشه امریکا را می کشد و راه به عمل خبیث امریکا نخواهد داد."

پس از پایان سخنان پیش از دستور حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، در حالیکه بشدت متأثر بود، ضمن سخنانی با اشاره به جای خالی نمایندگان شهید که با گل و عکس آنان مزین شده بود به توطئه های عوامل ضد انقلاب، از مائوئیستهای امریکائی تا ضد انقلاب هار، که قصد داشتند با قتل عام، بحران عمومی ایجاد کنند، اشاره کرد. رئیس مجلس سپس ضمن اشاره به حضور توده های میلیونی در خیابان ها و میادین گفت:

"نقطه اساسی و قوت انقلاب همین جاست، این ملتی که مادیدیم، فرد فردشان می توانند عضو مجلس باشند."

رئیس مجلس همچنین گفت: "امروز اگر خط امام در مملکت حاکم نباشد، چه خطی می تواند بر کشور حاکم باشد... نهاد - های انقلابی، جهاد، سپاه، کمیته ها... با چه نیرویی در کشور حاضرند کار کنند، با خط بنی صدر، با جبهه ملی، با ساقین با غرب گراها؟"

رئیس مجلس سپس یاد آورد: آنچه که دشمن را واداشت این دوسویتری راز خود نشان دهد، این بود که آخرین امینش با حذف بنی صدر از ارکانهای رسمی کشور تبدیل به یاس شد. او که خواب یک اختلاف عمیق داخلی را می دید که خود مانع به جان هم بیافتیم و بخشی از مردم بخش دیگر را بکشند، دیو بنی صدر را ۱ میلیونسی یک دفعه تبدیل شد به یک فراری، کما روز اسیر مجاهدین خلق است و با مشارکت آنها مشغول توطئه است. دشمن وقتی دید که دیگر چیزی ندارد، آخرین تیر ترکش خود را رها کرد، که البته آخرین آنها هم نیست."

پس از پایان سخنان رئیس مجلس مراسم تحلیف نمایندگان جدید مجلس انجام شد. در ادامه این جلسه مجلس، پس از اتمام زمان تنفس، اصلاحیه لایحه مسکن، راجع به نحوه معاملات مسکن مطرح شد و چند موافق و مخالف در مورد آن صحبت کردند. مذاکرات در مورد این اصلاحیه به بعد موکول شد.

سپس آیت الله مهدوی کنی وزیر کشور لوابیحی را در مورد چگونگی انتخاب رئیس جمهور به مجلس ارائه داد. پس از سخنان موافق و مخالف در مورد ارجاع این لوابیح به کمیسیون داخلی، رای گیری در مورد آن به عمل آمد و با اکثریت آرا، ارجاع این لوابیح به مدت ۲ سال به کمیسیون داخلی مجلس، به تصویب رسید. در این جا جلسه علنی مجلس به پایان رسید و جلسه بعدی آن روز یکشنبه ۱۴ تیر، خواهد بود.

نمایندگان مجروح

در مجلس

مرگ بر امریکا!

نمایندگان مجلس، بدنبال تأیید هر کلامی، چندین بار شعار "مرگ بر امریکا" را سر می دادند. در یکی از این دفعات، آنها چهارده بار فریاد زدند: "مرگ بر امریکا!"

جهان این کشورها از پشتیبانی بیدریغ و بیغرضانه جبهه وسیع و نیرومند ضد امپریالیسم جهانی برخوردارند. برقراری نظم نوین اقتصادی بین - المللی، به کشورهای در راه رشد امکان می - دهد که از فرار سرمایه ها بظرف کشورهای امپریالیستی جلوگیری کنند و به انباشت های لازم برای حل مسائل اساسی خود دست یابند.

سوسیالیستی از جمله کوبانسان می دهد که تنظیم مسأله اشتغال و طبقه عمده، این با آن حکومت در ریشه کن کردن بیکاری به یاری دگرگونی های عمیق اجتماعی - اقتصادی است. کشورهای در راه رشد دارای سمت گیری سوسیالیستی با همه توان خود می کوشند عقب ماندگی خود را جبران کنند و به بیکاری و فقر پایان بخشند. بدیهی است که در تناسب گونی نیروها در

است. اصلاحات ارضی به نفع توده های زحمتکش، برنامه ریزی اقتصادی سوسیالیستی و قرارداد تولید اجتماعی در خدمت تأمین نیازهای فزاینده، عموم شهروندان از اهرم های اساسی دیگر محو بیکاری است.

به موهبت این اقدامات از ۹۳۰ در اتحاد شوروی بیکاری وجود ندارد. تجربه اتحاد شوروی و سایر کشورهای

ساز و کار عمل نظام سوسیالیستی

دیدیم که جنگ از چگونگی سازماندهی اجتماعی نیروهای بارآور کار و ساز و کار عمل سازمان تولید و بازتولید سرمایه داری برمی خیزد. در نتیجه جدا انگاشتن آن از قانونمندی های د رونی سیستم و مربوط دانستن آن به خلق و خوی رهبران و زمامداران بد و رافتادن از یک تمهید علمی است.

فزون بر این آشکار است که جنگ برخلاف رأی مشاطه - کران چهره زشت سرمایه داری نه "یک غریزه" استوار و طبیعی ترین نمود هستی آدمی است نه "نهاد انسانی که در سنتها، تاریخ، اخلاق، روحیات، عادات و غرائز ما ریشه دارد" و نه برخلاف قول حامیان عقب ماندگی، "عالیترین شکل مبارزه برای حل تضاد های میان طبقات ملتها، دولتها و گروه های سیاسی که به مرحله معینی از تکامل رسیده اند".

اکنون می خواهیم بدانیم صلح چیست و رابطه آن با سازماندهی اجتماعی نیروهای بارآور کار، و ساز و کار عمل سازمان تولید و بازتولید، کدام است؟ می خواهیم بدانیم چرا در مرحله معینی از تاریخ، سیاست صلح بعنوان نقیض سیاست جنگ مطرح می شود و نیروهایی که از تحمیل صلح به نظام جنگ سود می برند، کدامند.

گفتیم که در نظام سوسیالیستی نیروهای بارآور کار و از جمله وسایل تولید اجتماعی در تسلط کل جامعه قرار داده شده و به انگیزه تأمین حداکثر نیازمندی های متنوع مادی و معنوی جامعه سازمان یافته است.

در درون این نظام نیز حجم معینی از نیروی کار، به وساطت سطح معینی از تکنولوژی و سازماندهی، مقادیر معینی از کالا ها و خدمات را تولید می کنند و از این لحاظ قانونمندی های عام اقتصاد مثلا در مورد رابطه فنی انسان و وسیله کار، یا تقسیم کار و نظائر آنها نافذ و جاری است. لیکن تفاوت هایی در ماهیت رابطه انسان با انسان در درون این سیستم نسبت به سیستم سرمایه داری وجود دارد که کیفیت این نظام را با آن نظام متفاوت می سازد: در این نظام نیروی کار، کالا نیست، لوکوموتیو تولید، سود خصوصی نیست، تعادل بین نظام تولید و نظام گردش بر اساس برنامه ریزی بسیار پیچیده و دقیقی حاصل می شود و نه به وساطت بازار، تفاوت در میزان ارتقای فنی (دیفرانسیل تکنولوژیک) در بین واحدهای تولید، موجب آشفتگی بازار و بی نظمی تولید نیست، بجای "دست نا-مرئی" بازار، اندیشه مشکل کشای هزاران اقتصاددان، برنامه ریزه جامعه شناس، آمارگر و روانشناس نشسته است، تناسب بین رشته های پر شمار تولید از پیچ و خم مدنی بازاری گذرد بلکه از اندیشه سیال و علمی اقتصاددان می گذرد، واحد پولی از تلون و ناپیچی به دور بوده و از قدرت خرید برنامه های و محاسبه بر خوردار است والی آخر.

نظام تولید سوسیالیستی و بازار داخلی

در نظام سوسیالیستی امروز بیش از بیست میلیون گروه کالا تولید می شود. تناسب بین کالای تولید شده و نیروی کار موجود و تکنولوژی تولید به وساطت برنامه برقرار می شود. رابطه تعادل بین کالای تولید شده و حجم مصرف نیز با توجه به قدرت خرید پول بر اساس برنامه تنظیم می شود. در نتیجه در این سازماندهی تولید اصولا بی تناسبی بین رشته ای ناشی از بی نظمی تولید وجود ندارد. بی تناسبی ناشی از تغییرات مدی می قدرت خرید نیز وجود ندارد. بحران اقتصادی بمعنی فرارقتن حجم تولید بیش از حد مصرف، انباشتن بازار و تنزل تولید نیز با ذات سیستم بیگانه است. تعادل، برنامه ای است و بر اثر مراقبت دائمی بر ساز و کارهای تولید و توزیع (و نه به طور خود بخودی) تأمین می شود.

براین اساس قیمت گذاری برنامه ای، و تدوین قیمت های نسبی بین بیست میلیون گروه کالا، یکی از مکانیسم های عمده وصول به تعادل بین دوره تولید و مصرف است. در بازار سوسیالیستی، قانونهای عرضه و تقاضا بر ساز و کار توزیع برنامه گذاری در خدمت توزیع سوسیالیستی به منظور تأمین حداکثر نیازمندی های مادی و معنوی جامعه بکار می پردازد.

قسمت پنجم پدیده جنگ و نظامهای اقتصادی - اجتماعی

نظام تولید سوسیالیستی و بازار جهانی

بازار، برای سوسیالیسم هم از اهمیت بزرگی برخوردار است لیکن این اهمیت نه بعنوان فزونی برای جذب بی تناسبی ناشی از آنارشی تولید است، نه بعنوان زمینه برای صدور "فزونی تولید" در بحران سرریز، بلکه از مطلوبیت تقسیم کار جهانی بمنظور برخورداری طرفین از "مزایای نسبی" برمی خیزد. سیستم مبادلات جهانی سوسیالیسم بر مبنای برابرحقوقی طرفین مبادله، نفع متقابل و در راستای استوار کردن بنیاد فنی تولید و نیل به عالیترین مرزهای متحول فنی در مجموعه اقتصاد جهانی عمل می کند. همکاری های علمی و فنی، مبادلات اقتصادی و فرهنگی همه از عوامل تسریع کننده تکامل د رونی سیستم - ها و موافق با راستای حرکت سوسیالیسم است. لازمه این گونه تقسیم کار و همکاری برابرحقوق وجود صلح بین المللی و اعتماد متقابل بین ملت های جهان است.

صلح، نقیض جنگ

مارکس می نوشت که "برخلاف جامعه کهنه که از فلاکت اقتصادی و هزین سیاسی بیمار بود جامعه نوی در حال جوانه زدن است که حاکمیت بین المللی آن صلح خواهد بود زیرا که حاکمیت د رونی آن محصورا کار است". کارگران و زحمتکشان نیازی به جنگ ندارند. آنان از جنگ جز زیان نصیبی نمی برند. آنان برای حل اختلاف در جامعه انسانی، شیوه انسانی دارند. جنگ نمره نظامی است که بندگان مفضل های آن از تضاد های آشتی ناپذیر آکنده است، جنگ شکل "حل" این تضادها به دست طبقات انکل و استثمارگراست.

دیدیم که نظام سوسیالیستی تولید از عواملی نظیر بی تناسبی بین رشته ای، بحران سرریز، بیکاری و تورم به دور است، اینجا عالمی است که انسان عنان قانونمندی های تاریخی را بدست اندیشه تکامل جو و بهبودیخواه خویش گرفته است. در درون این نظام هیچ انگیزه ای برای جنگ وجود ندارد ولیکن به شمار انگیزه برای صلح و تکامل موجود است. سوسیالیسم فزوند تکامل قوای مولده و صلح و امنیت مادرتکامل است، پیشرفت علمی و فنی، تکامل وسایل تولید، رشد سازماندهی تولید و توزیع، گسترش ارتباطات و حمل و نقل، ارتقای بازده تولید، افزایش برخورداری از نعمات مادی و معنوی، کاهش زمان کار و لذت یزتر شدن نفس کار همه در سایه صلح فراهم می آید.

ادامه صلح، روند اعتلای علم و تکنولوژی، کارسرد انقلاب تکنولوژیک در سازمان و شیوه تولید را سرعت می بخشد و بازده تولید را ارتقا می دهد، افزایش بازتولید در درون نظامی که از وحدت مالکیت بروسائل تولید اجتماعی برخوردار است مایه افزایش سطح برخورداری است، هرچه بازده تولید افزایش پذیرد حجم کار لازم برای حجم معینی از تولید کاهش می پذیرد و این قانون عامی است که در سرمایه داری و سوسیالیسم به یکسان عمل می کند، لیکن سرمایه داری به ازای حجم معینی از تولید ساعات کارسرنانه را ثابت نگهداشته و از شمار کارگران می کاهد و بدینسان، بازای ثابت بودن سایر شرایط ارتقای سطح بازده تولید مایه افزایش بیکاری می گردد ولی سوسیالیسم می تواند شمار کارگران را ثابت نگهداشته و از ساعات کارسرنانه بکاهد.

صلح در درون جامعه سرمایه داری نیز روند اعتلای علم و تکنولوژی، کاربرد انقلاب تکنولوژیک در سازمان و شیوه تولید را سرعت می بخشد و بازده تولید را ارتقا می دهد. ولی دیدیم که همین ارتقای فنی، نظام تولید سرمایه داری را برسر دوراهی جنگ یا انقلاب قرار می

دهد و نیز دیدیم که سرمایه داری جنگ را برمیگزیند. اما پاسخ سوسیالیسم برای این مسئله سرمایه داری نیز بدون هیچ شبهه ای روشن است: سوسیالیسم خواهان تکامل قوای مولده و انقلاب در جامعه سرمایه داری است تا خلقهای وسیع آن نیز نیروهای عظیم اقتصاد و اجتماعی خود را از سازماندهی تنگ و متعارض سرمایه داری رهانیده و شیوه وسیع و همگون سوسیالیستی که از ماهیت تکلیف امروزی می تراود سازماندهی کند و بدینسان ریشه فقر و نابرابری، بیماری، جهل، بحران و جنگ خشکاننده می شود.

انقلاب اجتماعی با صلح بین المللی قرین و همزاد است: مگر نه اینست که انقلاب نمره تکامل است! لیکن بیانی جنگ با انقلابها، نظیر همزمانی جنگ اول جهانی با انقلاب اکتبر، و همزمانی جنگ دوم جهانی با انقلاب چین موجب شده است که اندیشه های فقیر بین این دو پدیده ناهم سرشت رابطه علت و معلولی برقرار کنند در صورتی که همین جنبه مایه تخریب قوای مولده عامل پاشیدگی سازمانهای طبقاتی در غالب کشورهای جهان و سبب درهم ریزی صفوف طبقاتی زیر پرده ناسیونالیسم بورژوازی بود.

نیروهای صلح

نظام سوسیالیستی جهان عالیترین شکل سازماندهی نیروهای عظیم اقتصادی - اجتماعی امروزین، بنا به سرشت خویش از صلح سود می برد، خلقهای وسیع کشورهایی که خود را از زنجیر استثمار کهنه و نومی رهانند و در جستجوی راه مستقل رشد هستند نیز از صلح سود می برند، زحمتکشان متشکل درون جامعه های سرمایه داری هم در دوران صلح می توانند با بهبود بخشیدن به سازماندهی صنعتی - طبقاتی، با اعتلا دادن به آگاهی طبقاتی با جلوگیری از صعود هزینه های نظامی در بهبود وضع زندگی خویش بکوشند و از صلح سود ببرند.

دانات یا سیاست تشنج زدایی، سیاست سوسیالیسم در برابر امپریالیسم

دانات یا سیاست تشنج زدایی، سیاست سوسیالیسم در مقابل دولت های امپریالیستی است. پایهدانات تغییر موازنه نیروهای اقتصادی - سیاسی، فرهنگی و نظامی زحمتکشان، استقلال طلبان و بهبودی خواهان در برابر امپریالیسم به زبان امپریالیسم است. بدون چنین تغییر مثبتی در عرصه جهانی، امپریالیسم زیر بار صلح نمی رفت. دانات سیاست عدم توسل به زور در روابط بین المللی است و جریانی است فوق العاده پیچیده، متنوع و پرتضاریس و در مواردی سرشار از تعاونی، و با این حال سیاستی سیستماتیک و اصولی است. عوامل متعدد معنی و ذهنی، داخلی و بین المللی، اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و نظامی - استراتژیک، علمی و فنی و فرهنگی، حقوقی و روانشناختی در دل آن بهم آمیخته اند. دانات به منزله مرحله تاریخی خاصی از سیستم روابط بین المللی، از ساختار کنکرت و ملموس مادی برخوردار است که در دوران مقدم بر کرد همائی هلسنیکی تکوین یافت و از فردای هلسنیکی بالیدن ثروت و پایه تکوین نظامی، از روابط بین المللی و اسناد و قراردادهای کنوگون آن کردید.

دانات واقعیت مادی و ملموس زندگی ماست. حیات بین المللی سالهای دهه ۷۰، فنی تر، متنوع تر و پرتضاریس تر از آنست که بتوان تصور کرد. داناتی که در این اوضاع و احوال شکل پذیرفت، دانات واقعی - نه آرمانی - بر روی این کره خاکی است. خوشبینی ناشی از دانات را تنها در سایه درک دقیق، واقع بینانه و عمل ریشه ها، انگیزه ها، مکانیسم ها و روند های رشد آن، در تقابل دیگر فرآیندهای مهم و تعیین کننده توسعه جهان می توان قابل توجیه دانست.

دانات نه یک پدیده خیالی است و نه بارقهای از نیات حسنه، بلکه واقعیتی است تاریخی، و تنها در صورتی قابل فهم است که ریشه های آن را در سیستم روابط بین المللی امروزی صمیمانه جستجو کنیم.

امام خمینی: . . .

بقیه از صفحه ۱

خصوصا این جنایت اخیری که واقع شد و دست آمریکا از آستین این خائن ها بیرون آمد و یک همچو جنایتی به سلیمان وارد کردند . . .

در قضیه ریاست جمهور هم مکلند که شرکت کنند . من تکلیف خودم را دارم . . .



امام خمینی روز پنجشنبه ۱۱ تیرماه در مقابل خانواده شهیدای فاجعه اخیر ، از جریان آمریکا در مقابل انقلاب نام بردند و خصایص آن و ضرورت مبارزه قاطع با آن را تذکر کردند .

یک جریان از اول نهضت و از اول انقلاب در مقابل در کار بود . . . ساله آمریکا است و اسلام ، جریان ، جریان آمریکا در مقابل اسلام . از همان اول ، از همان وقتی که احساس این شده که شاه باید برود ، از همان وقت بختیاری آمد و بختیار از یک گروه ملی گرا ، من باب احتیاط هم آنها می گویند .

از این جریان از اول یک جریان منجم شده و برنامه ریزی شده در کار بود و ما درست توجه بهش نداشتیم . . .

خط این بود که اصلا آمریکا منسی (فراموش) بشود ، یکدسته شوروی را طرح می کردند تا آمریکا منسی (فراموش) بشود . . .

(خطاب به لیبرالها) آمریکا دیگر برای شما فایده های ندارد ، گذشت آن وقت امروز آنیکه برای شما ، برای دینتان ، دنیاتان فایده دارد ، این ملتند ، این ملت پابرهنگاست .

کنفرانس سران "شورای همیاری اقتصادی" در صوفیه

روز پنج شنبه ، ۱۱ تیر ۶۰ ، کنفرانسی باشکرت رهبران بلند پایه کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" در صوفیه گشایش یافت .

تصویب قانون اساسی کامپوچیا

در پنجمین اجلاس مجلس ملی کامپوچیا "قانون اساسی کشور را تصویب کرد . . ."

تروریسم محکوم به . . .

بقیه از صفحه ۱

بیافرینند ، اما هرگز نخواهند توانست انقلابی را ، که از پشتیبانی رزمنده توده های میلیونی مردم برخوردار است ، از پیشرفت در راه پیروزی نهائی بازدارند .

تروریسم ، اثر دقیق ترین کریم ، نشانه ضعف است و نه نشانه قدرت . اگر آمریکای جنایتکار و ضد انقلاب مزدورش قدرت آن را در خود می دیدند که مثلا بوسیله بروی کار آوردن دولتی "معقول و میانه رو" ، یعنی کوشش بفرمان ، انقلاب را سرخ کنند و به شکست بکشانند ، نیازی به تروریسم احساس نمی کردند .

تروریسم ، قطع نظرا از زیانهای موضعی که به انقلاب وارد می آورد ، در مجموع باعث تضعیف کل انقلاب نمی شود . برعکس ، ترور-یسم در آخرین نتیجه باعث تضعیف ضد انقلاب است ، زیرا هر اقدام تروریستی خشم توده های میلیونی را علیه ضد انقلاب جنا-یتکار شعله ورتر می سازد و کوره نیروی انقلاب مردمی را فروزان ترمی کند .

توسل به اقدامات تروریستی ، ایجاد جو نا آرام و متشنج است ، زیرا در جو متشنج است که ضد انقلاب می تواند به زندگسی خود ادامه دهد ، سازماندهی کند ، تفرقه افکنی کند ، زمینه برای جنگ داخلی فراهم سازد . به همین دلیل حاکمیت انقلابی ، نیروها و سازمانهای انقلابی ، تمامی مردم

تفسیر وقایع مهم . . .

بقیه از صفحه ۵

های بی دریغی روبرو گردد (که مردم ایران آماده مقابله با آنها هستند) . . .

نگرانی ایالات متحده آمریکا

همزمان با اعلام اعضای کابینه جدید فرانسه ، پس از انتخابات مجلس ملی فرانسه که به چند نفر از اعضای حزب کمونیست نیز در دولت جدید کشور مقام وزارت داده شد وزارت امور خارجه آمریکا ، که مداخله خشن در امور داخلی فرانسه بود ، با موجسی از انزجار و نفرت در سراسر کشور روبرو شد .

وفازار به انقلاب باید دائما برهشیاری خود بیفزایند ، سازمانهای تروریستی را کشف و منهدم کنند ، این دست جنایتکار آمریکای درنده را بشکنند .

انقلابی که نیروی آن را توده های میلیونی زحمتکش تشکیل می دهد ، انقلابی که با همین نیرو ماشین عظیم ساواکسی - نظامی شاه آمریکائی را مانند یک قوطی مقواتی درهم شکست ، انقلابی که همه توطئه های آمریکا را یکی بعد از دیگری متلاشی کرد ، انقلابی که تنها جم نظامی صدام آمریکا را خنثی کرد ، بیدی نیست که با اقدامات تروریستی به لرزه افتد .

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برکت پذیر نیست . امپریالیسم ، بسرکردگی آمریکای جنایتکار ، می تواند از روی غضب به روی این جمهوری سنگ پرتاب کند ، خراش هایسی به پیکر پهلوان آسای او وارد سازد ، ولسی هرگز نخواهد توانست آنرا به زانو در آورد .

در دورانی که ما اکنون در آن زندگی می کنیم ، در دنیائی که نیروهای ضد امپریالیستی بر نیروهای امپریالیستی برتری یافته اند ، هرخلقی برای نجات خود از یوغ امپریالیسم ، برای استقلال و آزادی ، برای رفع ستم و برقراری عدالت اجتماعی به پامی - خیزد ، قطعا پیروز خواهد شد .

خلق قهرمان ایران ، در چنین دورانی برای نجات خویش و کشور خویش بپاخاسته است ، در دورانی که "آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند" ، در دورانی که پیروزی قطعی و نهائی او مسلم و محقق است .

ایتالیابارها این مداخله خشن صورت گرفته است .

در فرانسه ، رهبری جدید کشور ، که بر پایه رای وسیع مردم متکی است ، در برابر این مداخله واکنش قاطع نشان داد و فرانسوا میتران رئیس جمهور کشور گفت که سیاست فرانسه را خود فرانسه تعیین خواهد کرد و در آینده نیز چنین خواهد بود .

شیمون ، وزیر مسئول در روابط خارجی از این اقدام وزارت امور خارجه آمریکا بشدت انتقاد کرد و گفت که خلق فرانسه حاضر به قبول چنین مداخلاتی نیست .

در رسانه های گروهی فرانسه نیز رجال و شخصیت های سیاسی از این عمل مداخله - گرانه آمریکائی ها با نفرت یاد کردند .

شرکت کمونیست ها در کابینه فرانسه حائز اهمیت تاریخی است . همکاری بین احزاب کمونیست و سوسیالیست (سوسیال - دموکرات ها و غیره) که اکثریت طبقه کارگر اروپا را بدنبال خود می کشند ، می تواند مانع بزرگی در راه ماجراجوییهای جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا و انحصارات "خودی" باشد . بین احزاب کمونیست و سوسیالیست اروپا در یک سلسله مسائل مهم اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی اختلافات بزرگی وجود دارد . اما اگر آنها بتوانند در مهمترین مسئله امروز جهان ، یعنی حفظ صلح همکاری کنند ، دین خود را در برابر جامعه بشری و تاریخ ادا کرده اند . اهمیت همکاری سوسیالیست ها و کمونیست های فرانسه نیز قبل از هر چیز در همین است .

شرکت فعال در نبرد عادلانه بر ضد تجاوز

رژیم صدام یک وظیفه انقلابی است!

در مراسم باشکوه...

بقیه از صفحه ۱

افزوده شد و پرونده جنایات و توطئه های آمریکا علیه انقلاب ایران ورق دیگری خورد.

در همان حال این روز، روزی بود که خلق اندوه بزرگ خود را به خشمی توفنده علیه امپریالیسم آمریکا و عاملش بدل کرد و عزم راسخ خود را در ادامه مبارزه تا کسب پیروزی نهائی بر امپریالیسم آمریکا به نمایش گذارد.

از نخستین ساعات صبح روز سه شنبه ۹ تیرماه ۶۰ صفوف بی پایان و میلیونی خلق از خیابانهای مختلف تهران بسوی مجلس شورای اسلامی به حرکت درآمدند. گزارش خبرنگار "اتحاد مردم" حاکیست: با اینکه مراسم از ساعت ۸ صبح آغاز می شد، در ساعت ۷/۲۰ خیابان امام خمینی لیباز از جمعیت بود، بطوریکه حرکت به سوی مجلس شورای اسلامی، محل آغاز مراسم، عملاً غیرممکن بود. مردم در صفوفی منظم و در حالیکه پلاکاردهائی در محکوم کردن جنایت هولناک عوامل آمریکا و کشتن هائی سرخ در دست داشتند، به سوی مجلس شورای اسلامی می شتافتند و تا احترام عمیق خود نسبت به این شهدا و حمایت قاطع خود از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و ادامه مبارزه علیه آمریکا جنایتکار و عوامل داخلی آن اعلام کنند. در میان صفوف مردم، گروه هائی از افراد کمیته های انقلاب اسلامی و یاسداران انقلاب، که لباسهای سیاه برتن داشتند و اسلحه های خود را با کلهای سرخ مزین کرده بودند، و نیز گروه هائی از افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران دیده می شدند. مجلس شورای اسلامی نیز که محل آغاز مراسم تشییع جنازه شهدا بود، در سوگ آنان سرابا سیاه پوش بود. دسته موریک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز که در این محل استقرار یافته بود، با نواختن مارش عزت در این مراسم شرکت داشت مردم سوادرتهران، که بخوبی عامل اصلی این جنایت هولناک و حوادثی از این گونه رامی شناختند، با شعارهای کوبنده "مرگ بر آمریکا"، "آمریکا، آمریکا، ننگ به نیرنگ تو، خون شهیدان ما، می چکد از چنگ تو"، "خشم و نفرت عظیم خود را نسبت به شیطان بزرگ اعلام می کردند. در ساعت ۸ صبح، مراسم با سخنرانی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، ریاست مجلس شورای اسلامی آغاز شد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ابتدا با اشاره به ابعاد این جنایت بزرگ، از جمله گفت:

"مجلس شورای اسلامی حدود ۲۷ نفره تا آنجا که معلوم شده است، از بهترین یاران خود را از دست داده است."

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین از شهدائی که از دیگران ها بودند، سخن گفت، رئیس مجلس شورای اسلامی آنکاه خطاب به مردم گفت:

"(برخلاف تصور دشمن) بجای این که روحیه شما ضربه ببیند، شما مردم به صحنه آمدید و به خیابانها ریختید و به مسئولان و حتی به امامان دلداری دادید."

رئیس مجلس سپس گفت:

"مجموعه امپریالیسم بین الملل و صهیونیسم و ارتجاع منطقه و زالوهای داخلی و ولتردها و مفسد ها و مفسدانکیزها، مجموعه اینها دشمن ما هستند، اینها ضربات سنگینی از ما خوردند و ما با هر ضربه ای که با شهیدی خوردن ما، قویتر و قویتر شدیم. دشمن ما اولین ضربه را آن موقعی خورد که خانواده پهلوی شکست و دژ استعمار در این منطقه سقوط کرد و پایه استعمار در

منطقه لرزید و دشمن راه هزیمت را در پیش گرفت.

رئیس مجلس سپس با اشاره به دشمنان داخلی، از جمله به "سرمایه داران و لیبرال ها"، تاکید کرد که:

"همه مردم ما در صحنه حاضرند و مصمم اند تا از این فاجعه عظیم به آسانی نگذرند و برای همیشه این ملت را از شر این توطئه گران آسوده و راحت سازند و راه انقلاب را صاف کنند."

رئیس مجلس شورای اسلامی آنکاه با اشاره به آنکه مجلس گروهی از یاران خود را از دست داد، گفت:

"مطمئن باشید موضع مجلس در دفاع از حقوق شما و حقوق اسلام قویتر و مستحکمتر شد و این ضرباتی که دشمن خیال کرد به مجلس می زند و در این موقعیت حساس مجلس را از کار می اندازد، برای افکار دیکرش، این لرزه به اندام خودشان افتاد."

رئیس مجلس سپس درباره ترکیب ضد-انقلاب، از جمله گفت:

"طیف وسیعی است در میان راست افراطی و چپ افراطی، از سرمایه داران و ساواکیها و وازدها و تصفیه شدگان رژیم گذشته و طاغوتیان تاجپ کرایان و مدعیان خلق از پیکار و اقلیت و جاسوسان سیا و سایر مراکز جاسوسی بین المللی و ولتردها و بی بند و بارها و انحصار طلبها و فرصت طلب ها."

مردم در حالیکه شعار هائی علیه بانین این جنایت هولناک و در ستایش از شهیدای انقلاب می دادند، به سوی آمبولانسهاییکه بپیکر کلگون شهدا را با خود حمل می کردند و به میان سیل جمعیت آمده بودند، شتافتند و آنان را در میان گرفتند. آمبولانس ها، که مزین به عکسهای شهدا و کلهای سرخ بودند، در پیشاپیش صف پیشمار مردم به حرکت درآمدند و به سوی بهشت زهرا ره سپردند. در طول مسیر، مردم با شعار هائی در ستایش از امام خمینی و حمل پوسترهای شهیدان، به سوگواری پرداختند.

گزارش خبرنگار "اتحاد مردم" از این مراسم همچنین حاکیست که در میان پوستر هائی که در دست مردم بود، علاوه بر پوستر رهبران انقلاب، بیش از همه عکس شهید آیت الله بهشتی و شهید محمد منتظری دیده می شد. همچنین در پلاکاردهائی که در دست مردم بود، از جمله این نوشته به چشم می خورد: "حضور مردم در صحنه، سرعت عمل ما در این انتظامی و کمیته ها و قاطعیت دادگاه های ویژه انقلاب تنهاراه منزوی کردن مزدوران آمریکاست."

گزارش دیگر خبرنگار ما از این مراسم حاکیست: تا ساعاتی پس از آغاز راه پیمائی مردم به سوی بهشت زهرا، عبور صفوف به هم فشرده مردم از میدان حنیف نژاد به سوی محل دفن شهدا ادامه داشت. همچنین گروه هائی از مردم، در حالیکه شاخه های گل در دست داشتند و عکس هائی از شهدا را حمل می کردند، در خیابان های امام خمینی، ولی عصر و حنیف نژاد به حرکت درآمدند و به دادن شعار پرداختند در بهشت زهرا...

از ساعت ۱۰ صبح این روز، گروه های وسیع مردم برای انجام مراسم دفن اجساد شهدای حادثه بمب گذاری در تهران، به بهشت زهرا رفتند و منتظر رسیدن آمبولانس های حامل پیکرهای کلگون شهدا شدند. گزارش خبرنگار "اتحاد مردم" حاکیست که با ورود انبوه شرکت کنندگان مراسم تشییع جنازه در تهران به این محل، سیل جمعیت محوطه بهشت زهرا را پوشاند و

زیر شعار «مرگ بر آمریکا» به پیش قاپروزی نهائی!

دشمن اصلی، خط مبارزه و ضرورت مبارزه با دشمن اصلی، برای کسب پیروزی و تا کسب مبارزه انقلابی برای کسب استقلال در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... تا کسب استقلال تام و تمام است. به همین دلیل این خط، مرز بین نیروهای انقلابی و نیروهای ضد انقلابی است و در روی سوی این خط است که نیروهای انقلابی و ضد انقلابی، چه در داخل و چه در خارج از آن، صف آرایی کرده اند. بدین ترتیب، هر نیروی، گروهی، سازمانی، زیر شعار "مرگ بر آمریکا"، علیه امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا و برای کسب استقلال و تعمیق انقلاب، شکستن پایه های اقتصادی، اجتماعی، آمریکاداری ایران (کلان سرمایه داری بویزرگ مالکی) مبارزه کند، انقلابی است. و برعکس، هر نیروی، گروهی و سازمانی که بخواهد و بکوشد مبارزه بر ضد امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، راه شکلی از اشکال ضحرف سازد، خواسته یا ناخواسته، در عمل آب به آسیاب ضد انقلاب می ریزد.

نیروها، گروهها و سازمانهای انقلابی، قطع نظر از تفاوت های ایدئولوژیک و مسلکی که احیاناً می تواند بین آنها وجود داشته باشد، باید زیر شعار "مرگ بر آمریکا" و در خط مبارزه بر ضد امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، گرد هم آیند و صفوف خود را فشرده و فشرده تر سازند. این ضرورت حیاتی انقلاب و وسیله کسب پیروزی در نبرد بزرگی است که خلق قهرمان ما با امپریالیسم آمریکا درگیر است.

در سیاست خارجی نیز باید انقلابی عمل کرد. باید دست همکاری آن کشور هائی را که در جنبه، ضد امپریالیستی قرار دارند و در عمل ثابت کرده اند که دوست و پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند، فشرده، البته از مواضع استقلال، برابری حقوق، عدم مداخله در امور داخلی.

نبرد انقلابی با دشمن اصلی، دشمن غدار آمریکا جنایتکار ادامه دارد، و آن هم برای مدتی دراز. امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، چشم طمع از ایران، به این زود بها بر نخواهد گرفت. جنگ، توطئه، تفرقه افکنی، کوشش برای انحراف افکار و مبارزه به سوی دشمن موهوم، تلاش برای وانمود کردن دوست بجای دشمن و دشمن بجای دوست بزرگ کردن نقایص و نارسانائی ها، ایجاد مشکلات مصنوعی، فشار اقتصادی، تبلیغات مسموم و گمراه کننده... آمریکا به تمام این وسایل و دیگر وسایل برای رسیدن به هدف جنایتکارانه خود متوسل شده و در آینده نیز خواهد شد.

صفوف نیروهای طرفدار و مدافع صدیق انقلابی را زیر رهبری امام خمینی باید بیش از پیش فشرده و فشرده تر ساخت و زیر شعار "مرگ بر آمریکا"، در خط مبارزه با امپریالیسم بطور کلی و بویژه با امپریالیسم آمریکا، نبرد ظفر نمون انقلاب را با اطمینان راسخ به پیروزی نهائی، هر روز نیروضد تر از روز گذشته به پیش برد.

هکین شهرستانهای کشور، باخشم و نأسفی عمیق به خیابانها آمدند و ضمن ابراز خشم و نفرت خویش علیه آمریکای جنایتکار و مزدوران داخلی، یاد و خاطره شهدای جنایت فجع را گرامی داشتند و برای ادامه راه آنها، پیمان بستند.

بار دیگر تجربه نشان داد که کدکد انپروها، کدام گروهها و کدام سازمانها طرفدار و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و کدام نیروها، کدام گروهها، کدام سازمانها مخالف انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند. این تجربه بار دیگر در جریان برخورد با مسئله بنی صدر بروز کرد، که در واقع مسئله شخصی بنی صدر نبود، بلکه برخورد دو خط سیاسی بود، یکی خطی که خصوصیت عمده آن از یک سوشناخت امپریالیسم آمریکا به عنوان دشمن اصلی، و از سوی دیگر مردمی بودن آن است، و دیگری خطی که خصوصیت عمده آن از یک سودر سایه قرار دادن آمریکا و فراهم کردن زمینه سازش با آن و از سوی دیگر طاغوتی بودن آن است.

شگرد این خط سیاسی مخالف انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، همیشه این بوده است که در داخل کشور آن نیروها و گروه های "دکراندیشی" را که طرفدارو مدافع صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند، دشمن معرفی کند تا بدین وسیله بین نیرو های راستین انقلابی تیرگی در مناسبات ایجاد شود و در نتیجه جنبه "انقلاب تضعیف گردد. شگرد این خط سیاسی همچنین همیشه این بوده است که بجای آمریکایک دشمن خارجی موهومی بترشد و چه بهتر اگر این دشمن موهوم خارجی را بتواند اتحاد شوروی معرفی کند و تا بایک تیر و هدف بزند: یکی خارج کردن آمریکا از زیر ضربه و دیگری ایجاد تیرگی در مناسبات با اتحاد شوروی، یعنی همسایه بزرگی که پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، به این دلیل ساده که این انقلاب و جمهوری ضد امپریالیستی بطور کلی و در درجه اول ضد آمریکائی است.

شگرد این خط سیاسی مخالف انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ضنا باید گفت که نه تنها ابتکاری، بلکه اقتباسی است: اقتباس از خط تبلیغاتی - سیاسی آمریکا، که با افشاشدن سند سری دستور کار تریه وزارت خارجه و سازمان جاسوسی آمریکا در ایران، به "خط برزنسکی" معروف شد.

این "خط برزنسکی" یا "خط آمریکائی" تاکنون دو بار در برخورد با نیروی پرتوان انقلابی "خلق قهرمان ایران، برهبری امام خمینی"، دچار شکست سختی شده است. بار اول، بهنکامی که با تصرف لانه جاسوسی آمریکا، دولت موقت "گام یکم" سقوط کرد و بانگ "مرگ بر آمریکا" در سراسر کشور طنین افکند، بار دوم، خط آمریکا بابرکاری بنی صدر از مقام ریاست جمهوری، بر خلاف انتظار طراحان آمریکائی و مجریان "ایرانی" آن، بسی سخت تر از بار اول شکست خورد و مجدداً شعار "مرگ بر آمریکا" بدنبال زمان کوتاهی فرو گش نسبی، در فضای ایران انقلابی طنین افکن شد.

شعار "مرگ بر آمریکا"، بدیهی است که فقط شعار، بمعنای بیان احساس یا آرزو نیست. این خط سیاسی، خط شناخت

آنگاه مردم با شعار های "مرگ بر آمریکا"، پیکرهای کلگون کفن شهدا را به خاک سپردند. این مراسم تا ساعت ۴ بعد از ظهر این روز نیز ادامه داشت. در شهرستانها میلیونها تن از مردم رنج دیده و ماند-

پدیده جنگ

بقیه از صفحه ۸

بدیهی است که بهم آمیختن پروسه طولانی بسوغ شرایط عینی و حتی ذهنی دتانت و تکوین نیروهای محرکه مکانیسم ها و روند های رشد دتانت با آغاز کنکرت و تحقق عینی آن در فردای هلسینکی کارنا درستی است. و این نیز بهمان اندازه نادرست است که دتانت را بمنزله پدیده شکل یافته منبسط شده و تغییر ناپذیری تصور کنیم دتانت به مثابه حالتی از سیستم روابط بین المللی، از زرفای تاریخی، از حالتی بفرنج و تا به داره، و از آیندهای که می تواند اشکال متنوعی داشته باشد برخوردار است. به دنبال فرآیندهای طولانی، بفرنج و در دناک رشد، دتانت هم پاتاش از پروسه هایی که چهره جهانی را دگرگون می سازند، و نیز با تاثیر از نفس خویش، دگرگون می شود.

در واقع ریشه دتانت در اکتبر ۱۹۱۷ و دیدود فردای شکست فاشیسم نیرو گرفت و پس از سیر تغییرات کسی به تدریج به مرحله فعلی انجامید. عوامل عینی و ذهنی دتانت پس از جنگ دوم آماده بود ولیکن جنگ سرد توانست باتکیه بر برخی عوامل عینی و بسیاری عوامل ذهنی، جای آن را در دهه های ۶۰-۷۰ بگیرد. ولی جنگ سرد علیرغم جانسختی خود توانست روند رشد سیستم بین المللی را متوقف کند و سرانجام دتانت بعنوان آلترناتیو جنگ جوانه کرد و به واقعیت تاریخی زمان مایل شد.

دیالکتیک عینی و ذهنی در فرآیند دتانت، بفرنج و زوجوانب است. این یک مسئله آکادمیک نیست بلکه از نفس پراتیک دتانت می تراود. در وهله نخست باید د شواری ها و تضاد های موجود را در ارتباط با سایر فرآیندهای جهانی بررسی کرد، این دشواری ها تا حدودی از محدودیت های مراحل آغازین دتانت ناشی می شوند. امکانات دتانت از شرایط عینی تاریخی آن برمی خیزد که برآیند تقابل نیروهای دو نظام اجتماعی - اقتصادی است. از روابط واقعی هواداران و مخالفان آن برمی خیزد، از مبارزه سیاسی بین آنها در عرصه های داخلی و بین المللی برمی خیزد.

آثار اینها در مختل شدن فرآیند دتانت منعکس می شود و ثمره آنها اختلال، بدشکلی، پاشیدگی صف بندی ها، تضاریس و تضاد های موجود بین فرآیندهای مختلف در سطوح جهانی و منطقه ای است.

این اختلالات در درجه نخست، در زمان، در میزان و در زرفای رشد آن در سطوح منطقه ای انعکاس می یابد. هنوز دتانت از هرجهت یک فرآیند جهانی نیست بلکه از حیث روابط بین دو سیستم، مسائل صلح و جنگ سلاحهای استراتژیک و نظائر آنهاست که جنبه جهانی دارد. لیکن درجه شمول آن از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت است. سطوح دتانت در عرصه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ایدئولوژیک از منطقه ای به منطقه دیگر از کشور به کشور دیگر از مرحله های به مرحله دیگر متفاوت است. فزون بر این، همه این مراحل در حالت تغییر و جوشش اند و امکان دارد که در زمان دیگری اوضاع شکل بکلی متفاوتی بخود گیرد. بعبارت دیگر، رشد دتانت یک فرآیند اتوماتیک، از پیش تعیین شده و همزمان نیست بلکه فرآیندی زنده، بفرنج، نامنظم و سرشار از تضاد است و همین خصلت، دشواری های فراوانی را برای دتانت و سیاستهای پشت سر آن بوجود می آورد.

شکاف بین سطوح سیاسی و نظامی دتانت مانع عمدهای برای رشد دتانت است. اگر این شکاف گسترش پیدا کند می تواند دشواری های جدی بر سر راه دتانت بوجود آورد. وجود این شکاف و ناهمزمانی از اینرو خطرناک است که دتانت فرآیند واحدی است. دتانت نظامی بدون دتانت سیاسی قادر به پیشرفت نیست و دتانت سیاسی به مسائل نظامی - استراتژیک و نظامی - فنی تقدم دارد. لیکن دتانت سیاسی هم از دتانت نظامی تأثیر می پذیرد و در صورتیکه جو تشنج در عرصه بین المللی التیام نپذیرد پیشرفت آن امکان ناپذیر می گردد.

این یک سو استفاده آشکار از دتانت است که با دستاویز قرار دادن آن زیر عنوانی نظیر "دفاع از حقوق بشر" در امور داخلی کشورها دخالت شود. اینهم نا درست است که قرارداد هلسینکی "مسئولیت مشترک" را در مقابل تغییراتی که در درون کشورهای امضا کننده حادث می شود برعهده آنها گذاشته باشد. دتانت به

روابط بین دولتها ناظر است و به حاکمیت دولت ها ربطی ندارد. و نیز دتانت نمی تواند بهانه صدور انقلاب باشد. و بالاخره اینکه دتانت بمعنی پیمان حفظ وضع موجود هم نیست چون حدوث تغییر در درون سیستم ها امری داخلی است، از ساز و کار درونی نظام اجتماعی برمی خیزد و حکم محتوم تاریخ است. علیرغم جانسختی نیروهای جنگ، و علیرغم هزین های مخاطره انگیز نظام در حال افول، دست آورد های دتانت بسیار مثبت است:

امروز سی و پنجسال از پایان جنگ دوم می گذرد. سرعت و شتاب رشد درونی سیستم ها بهرکت انقلاب عظیم تکنولوژیک آنچنان بوده است که در صورت فقدان سوسیالیسم حدود جنگ جهانی سوم بارها بصورت کریز نا پذیر درمی آید.

فزون بر جلوگیری از جنگ جهانی دتانت توانسته است بیماری دیپلومیسی و صلح از صدور قهرآمیز ضد انقلاب مانع شود. و بدینسان نیروهای ارتجاعی و وابسته هر جامعه ای را برکنار از دخالت مستقیم اربابان امپریالیست آنها در برابرشت پولادین انقلاب توده ها منفرود ساخته است. انقلاب ایران و افغانستان شاهدان زنده و نزدیک این حکم استوار تاریخی است. امروز، در دوران هم پیوندی جهانی امپریالیسم، پیروزی و ماندگاری هیچ انقلابی به دور از احکام پولادین دتانت قابل تصور نیست.

دتانت توانسته است محافظه کارترین و هارترین اقتدار بورژوازی انحصاری را که در فضای صوموم جنگ سرد، بعنوان "قهرمانان دموکراسی" و "میمن پرستان" در آتش به مواضع قدرت خزیده بودند در درون هیئت های حاکمه و مردم آنها منفرود ساخته و مواضع مصنوعی سازمان یابی دموکراتیک توده ها را تضعیف یا ذوب نماید، دتانت توانسته است رشد اقتصادی، فنی و اجتماعی را تسریع کرده، تقسیم کار بین المللی را برهمنای برابر حقوقی گسترده ساخته و فرآیند تغییر اجتماعی را تندتر کند، مواضع جریان اطلاعات را که از عوامل ارتقای آگاهی اجتماعی توده ها و همبستگی مردم سراسر جهان است تضعیف نموده و نیروهای صلح را بهم نزدیک تر کند، سطح زندگی توده ها را ارتقا داده و رهائی انسان را تسریع کند، صلح را از حالت ذروانی برای تدارک جنگ به دوران استوارسازی محلهای مادی و معنوی همزیستی و همکاری بین المللی در جهت تکامل اجتماعی بدل کند. علاوه بر نظام جهانی سوسیالیستی، قلبهای انقلابی رهائی جوی نیز که علیه حکومت های فاسد، تبه کار و دست نشاندگان امپریالیسم بپاخیزند خواستار آنند که حق انسان در تعیین استقلاله سرزشت و راه رشد خویش بدون دخالت خارجی به رسمیت شناخته شود.

سیاست بین المللی این انقلابها برهمنای احترام متقابل و حاکمیت دولتها و صلح و همزیستی و سبقت جوئی مثبت استوار است. لیکن امپریالیسم چون رویاری قدرت نیروهای صلح، در اغلب موارد امکان دخالت مستقیم و سرکوب انقلابها را پیدا نمی کند به انواع سالوس ها و نیرنگ ها برای یوساندن انقلابها دست می برد، از اقشار متزلزل برای به سازش کشاندن انقلاب سود می جوید، از سازماندهی نیروهای ضد انقلابی به منظور تضعیف و بازدارن انقلابها تدارک زمینه شکست آنها استفاده می کند. از داندنکاری ها و اشتباهات نیروهای موثر انقلاب بهره برداری می کند و در هیچ موردی هم از امکانات اعمال قهر ضد انقلابی - که بهرطی فراهم شود - صرف نظر نمی کند. نیروهای جهانی صلح سر - سخنانه در برابر صدور ضد انقلاب مقاومت کرده و در جهت فراهم آوردن شرایط مساعد برای رشد و به ثمر نشستن این انقلابها، بی تزلزل و تردیدی می کوشند.

پایه سوم نیروهای صلح جهانی کارگران کشورهای امپریالیستی اند، اینان متفکرترین و مترقی ترین طبقه جامعه سرمایه داری اند، تکامل و شکوفائی جامعه انسانی مرهون کاری کیر و سازمان یافته اینان در جهت تدارک پایه های مادی رفاه و برخوردارن است.

اینان در درون نظام سرمایه داری ارتش منظم و تاریخ سازی و تشکیل می دهند که بالقوه توان ریشه کنی فقر و بیماری و جهل و ستم را دارند لیکن در تار و پود ساز و کار بفرنج سرمایه داری از تحقق بخشیدن به این توان خویش باز می مانند. در واقع تسلط اقلیت انگل بورژوازی بر این ارتش عظیم آفرینش و کار بواسطه اهرمهای نیرومند و ظریفی تأمین می شود که عمده ترین آنها امکان تأمین حداقل زندگی مادی آنان در یک فضای بی تأمین

نیروئی به عظمت...

بقیه از صفحه ۱

دست امپریالیسم آمریکا، می کوشند تا در جنایاتی از این دست راه بیرون شدی از بن بست شکست نهائی بیابند. اینان - و اربابان امپریالیست آمریکائی شان که سبلی - ها از انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران خورد فاند و ضایع هنگفت سیاسی، استراتژیکی و اقتصادی در این انقلاب از دست داده اند - در ادامه کارشکنی ها و توطئه های بی دریغی خود، بر آن بودند تا، با انفجار محل حزب جمهوری اسلامی در ساعتی که می دانستند اجتماع بزرگی از مسئولان در آن حضور دارند، نقطه پایانی بر خط تابناک انقلاب مستضعفان به رهبری امام خمینی بگذارند. و نشد. نمی توانست بشود. توده های میلیونی محرومان و مستضعفان، با آگاهی به ابعاد خطری که انقلاب و حکومت انقلابی را تهدید می کرد، مصمم و منضبط، حضور دشمن شکن خود را در صحنه نشان دادند و مداومت انقلاب را در راستای حکومت عدل و برابری و آزادی و رهبری جامعه به دست همین محرومان و مستضعفان تضمین کردند بدین سان، مصیبتی بزرگ به تجلی زاینده گی پر شکوه انقلاب بدل شد. جریان این چند روزه ثابت کرد که انقلاب با از دست دادن چند شخصیت - هر چند کارآمد و مسترک و سازمان دهنده بوده باشند - متوقف نمی شود و نیروی باروری که در توده ها است جای خالی رهبران از دست رفته را بی درنگ پر خواهد کرد. انقلاب به پیش خواهد رفت انقلاب به پای رنج آزموده و خستگی ناپذیر توده های مستضعف تاریخه کن شدن استضعاف پیش خواهد رفت. این مرحله سوم انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران است که اینک آغاز می شود، و بی شک مرحله نبرد تنگاتنگ با جبهه متحد دشمنان داخلی و خارجی انقلاب است. کاری بزرگ در پیش است. باید آماده بود. باید، برای قطع دست جنایتکاران بمب گذار، برای به خاک سپردن ضد انقلاب برای به انجام رساندن دگرگونی های بنیادی اقتصادی، برای برکنار ریشه بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری، برای سرکوب تجاوز خائنه، صدام، برای مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا و متحدانش در منطقه، نیروئی عظیم آماده کرد، - نیروئی به عظمت این مرحله سوم انقلاب. و آن جبهه متحد همه نیروهای راستین انقلابی است، بی کم و کاست.

اقتصادی است. فزون بر این امپریالیسم با بهره گیری تجربیات طولانی ضد انقلابی خویش به انواع فتنه کری ها و دغلکاری های ایدئولوژیک در درون صفوف اینان دست می زنند. بورژوازی حاکم با تسلط جهانی خویش بر فرهنگ و رسانه های گروهی، سینما و تلویزیون و رنگین نامه ها، به انواع سیاسی می کوشد که کارگران کشورهای ضرویل را روی روی انقلابهای رهائی بخش و سوسیالیسم قرار دهد تبلیغ این ترزنا درست که انقلاب ایران، به علت فسخ قرارداد - های نظامی موجب بیکاری چند صد هزار کارگر صنعتی در آمریکا و اروپا شده است، یک نمونه از خروار است. طبقه حاکم می کوشد لیه آگاهی طبقه تاریخ ساز را کند - تر سازد و پیوند او را با دیگر رده های انقلاب بکسلاند.

لیکن امر انقلاب رهائی بخش که به پیروزی می رسد چون امپریالیسم را از بر آوردن خواسته های منطقی کارگران خویش ناتوان تر می سازد جریان انقلاب را در درون خود آن تسریع می کند. برینسان نیروهای صلح و ترقی که از سراسر جهان بصورت سه قطب سوسیالیسم، صفوف منظم کارگران درون سرمایه داری و نهضت های رهائی بخش در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین ارتباط سرشستی استواری با هم دارند و پیروزی آنان پیروزی نهائی صلح و بشریت بر غریت جنگ و ددمنشی است.

لیکن در این مبارزه طولانی و بفرنج درایت و آگاهی باید در خدمت بالفعل ساختن وحدت سرشستی نیروهای صلح بکار افتد و دام های مکر و فریب و جهل، به چراغ علم و تجربه حذر شود تا این دوران در دناک و مخاطره آمیز گذار از مهلکه های جنونهای غیر مسئولانه امپریالیسم در سیرت به سلامت بگذرد. در صورت احتراز از یک جنگ هستی سوز نریدنی نیست نسل جوان ما شاهد پیروزی قطعی نیروهای صلح و انقلاب در سرتاسر جهان و شکست نهائی نظام امپریالیستی بدست انقلاب درونی خویش خواهد بود. خطر یک جنگ سنگینی می کند ولیکن امید به خرد و درایت انقلابیون جهان هم به همان اندازه و شاید بیشتر مایه امیدواری است.

محضر عالی رهبری انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی مدظلّه العالی

جنایت هولناک بمب گذاری که يكشنبه شب هفتم تیر ۱۳۶۰ در محل حزب جمهوری اسلامی صورت گرفت و تلفات جبران ناپذیری به بار آورد خشم و نفرت همه مستضعفان ایران، همه میهن دوستان انقلابی و همه رهسپاران راه مستقیم مبارزه با ظلم و استکبار را برانگیخت. بی شک، در آزمون این گونه صائب عزم و پایداری توده های میلیونی محرومان آیدیده تر و صفوف شان زیر پرچم انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی فشرده تر خواهد شد.

ماضن محکوم داشتن این جنایت ساخته دست خود فروختگان به امپریالیسم آمریکا، یاد همه شهیدان به خون خفته، بویژه آیه الله سید محمد بهشتی را کرامی می داریم و به حضور مبارک امام خمینی و بازماندگان شهیدان تبریک و تسلیت عرض می کنیم.

جمعیت ایرانی هواداران صلح

رونوشت:

- ۱- قم، حضرت آیه الله حسینعلی منتظری
- ۲- حجه الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی
- ۳- آقای محمد علی رجائی، نخست وزیر

ویلی برانت: رهبران اتحاد شوروی، بویژه برژنف، خواستار صلح هستند

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صد رهیت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی، روز سه شنبه، ۹ تیر ۶۰، ضیافت نا هاری با افتخار ویلی برانت، صدر "حزب سوسیال دموکرات آلمان" در مسکو ترتیب داد. ویلی برانت بدعوت برژنف، دیداری از اتحاد شوروی بعمل آورد. لئونید برژنف در سخنرانی به این مناسبت گفت: "پایان بخشیدن بمسابقه تسلیحاتی مرم ترین وجدی ترین مسئله روز است. وی افزود: "در شرایط کنونی بهتر است که با خاتمه به سابقه تسلیحاتی هسته ای شروع کنیم". برژنف خاطر نشان ساخت که اتحاد شوروی حاضر است که بید رنگ به مذاکره در این باره بپردازد، ولی این تصمیم ایالات متحده است که هنوز

این گفتگوها آغاز نشده است. او اعلام کرد که به محض آن که این مذاکرات شروع گردد اتحاد شوروی آماده است تا از استقرار موشک های میان برد هسته ای در بخش اروپائی اتحاد شوروی دست بردارد. بگفته برژنف: "البته ایالات متحده نیز باید اعلام دارد که در طول ادامه مذاکرات، از استقرار موشک های میان برد هسته ای دست برخواهد داشت". برژنف افزود: "برتری جوئی نظامی ایالات متحده نسبت به اتحاد شوروی به ثبات در صحنه بین المللی زبان می رساند و امنیت ایالات متحده را نیز به خطر می اندازد". ویلی برانت، در جواب خود، نگرانی عمیق خویش را از انباشت خطرناک سلاح ها و تهدید آن برای سرنوشت بشر ابراز داشت و وی

وقایع مهم جهان در يك هفته

میتران: ما از آمریکا اجازه نمی گیریم در فرانسه، فرانسوا میتران، رئیس جمهور فرانسه، حملات ایالات متحده را نسبت به کشور خود در پیوند با شرکت چهار کونیست در کابینه رد کرد. وی در مصاحبه ای مطبوعاتی در روز جمعه ۵ تیر، ۶۰، گفت که: "وی به هیچ روی قصد ندارد به هنگام تصمیم گیری در باره فرانسه از دیگران اجازه بگیرد". میتران افزود: "واشنگتن از درک تغییرات کنونی در فرانسه عاجز است". او همچنین امکان سفر به ایالات متحده آمریکا را پس از ملاقات سران دولت های غربی در "اوتوا" در ماه ژوئیه رد کرد. پیش از این، کلود شسون، وزیر خارجه فرانسه، نیز دخالت آمریکا را در امور فرانسه مورد انتقاد قرار داده بود. او گفت: "موضع گیری ایالات متحده، حداقل غیر مجاز و شکت انگیز است".

سفر الکساندر هیگ به چین - اوج گیری سیاستی بی باکانه

روزنامه "پراودا" (اتحاد شوروی) نتایج سفر اخیر الکساندر هیگ را به چین "اوج گیری سیاستی بی باکانه" خواند. "پراودا" خاطر نشان می سازد که "یکن و واشنگتن" موافقت کردند تا همکاری نظامی خود را، که هدف آن ثبات زدائی اوضاع و تشدید رویارویی با اتحاد شوروی است، گسترش بخشند. "پراودا" می نویسد: "آمادگی آمریکا برای واگذاری سلاح -

نگرانی عمیق ایندیرا گاندی از واگذاری سلاح های آمریکایی به پاکستان

ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، نگرانی عمیق خود را از واگذاری عظیم سلاحها از سوی ایالات متحده به پاکستان اعلام داشت. بانو گاندی، که در اجتماع بزرگی در پاتنا، در بهار، سخن می گفت، اظهار داشت که انباشت بیش از اندازه جنگ افزارها منافع کشورهای همسایه را بخطر می افکند. وی افزود: "تجربه گذشته نشان می دهد که چنین سلاح هایی حتما علیه هند بکار برده خواهد شد".

جناح افراطی "همبستگی" لهستان را به ورطه فاجعه ای هولناک کشانده است

یکی از روزنامه های سندیگائی چکسلواکی فعالیت جناح افراطی "همبستگی" را بشدت محکوم کرد. به نوشته "پراتسه" فعالیت های جناح نامبرده اقتصاد لهستان را یکی از روزنامه های سندیگائی چکسلواکی فعالیت جناح افراطی "همبستگی" را بشدت محکوم کرد. به نوشته "پراتسه" فعالیت های جناح نامبرده اقتصاد لهستان را

آمریکا از کفران "سازمان وحدت آفریقا" ناراضی است

ایالات متحده آمریکا ناخشنودی خود را از تصمیمات کفران سران کشورهای "سازمان وحدت آفریقا" در نیروبی اعلام داشت. یکی از سخنگویان وزارت خارجه این موضوع را تأیید کرد. دولت ریگان از این ناراضی است که کفران نامبرده همدستی ایالات متحده را بانزاد پرستان آفریقای جنوبی محکوم ساخت و این کشور را شوق "پرتوریا" در خود داری از اعطای استقلال به "نامیبیا" خواند. "واشنگتن" همچنین از برکناری کفران آینده "سازمان وحدت آفریقا" در پایتخت لیبی ابراز داشت.

"پراودا":

سیاست چین بر پایه هم پیمانی با امپریالیستهای جنگ طلب استوار است

"پراودا" در مقاله ای به مناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست چین نوشت: "این حزب راهی دراز و دشوار را پیموده، به پیروزی های چشمگیر دست یافته و باشکست های جدی روبرو شده است. سیاست رهبران چین در سالهای هشتاد بر پایه کوشش برای تشکیل پیمانی ضد شوروی با محافل جنگجوی امپریالیستی و کشاندن بشریت به فاجعه ای هسته ای استوار است". "پراودا" به جلسه اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین اشاره می کند، که

نیروهای ضد امپریالیستی، برهبری اتحاد شوروی به ننگه داشتن صلح موفق خواهند شد

سیاست تجاوزکارانه اسرائیل خواند، کهاز پشتیبانی ایالات متحده برخوردار می شود. عهد السلام جلود در پاسخ خود، "شورای امنیت سازمان ملل" را فراقخواند تا اسرائیل را از تولید جنگ افزارهای هسته ای باز دارد، که بگفته او "خطری جدید" برای اعراب بشمار می رود. عهد السلام جلود اظهار اطمینان کرد که "نیروهای ضد امپریالیستی، برهبری اتحاد شوروی، به ننگه داشتن صلح موفق خواهند شد".

افغانستان با هرگونه بین المللی کردن "مسئله افغانستان" مخالفت کرد

افغانستان پیشنهاد کشورهای بازار مشترک را در باره برکناری کفران بین المللی رد کرد و آنرا کوششی برای بین المللی کردن به اصطلاح "مسئله" افغانستان خواند. این گزارش نخست از سوی "خبرگزاری فرانسه" به نقل از سفیر افغانستان در پاریس بخش شد. سفیر افغانستان با ابراز نگرانی از اقدام دولت پاکستان اعلام کرده بود.

اتحاد مردم
 ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
 محمود اعتمادزاده (م. ر. به آذین)
 آدرس: منطقه ۱۳ پستی - صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴

